

روند سقوط حکومت و جایگاه حزب

این نوشته بر مبنای مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است

صفحه ۲

پرداخت تمام دستمزدهای معوقه با بخشنامه؟

شهلا دانشفر

صفحه ۶

جنبش علیه حجاب اجباری از ۵۷ تا امروز

سخنرانی فریده آرمان در کنفرانس دختران خیابان انقلاب در پنجم آوریل در استکلهم

صفحه ۷

در دفاع از گلرخ ایرایی

گفتگو با سیامک بهاری

صفحه ۹

اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب!

گفتگوی نشریه سهند با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۱

ترک برداشتن دیوار ارتجاع اسلامی

کاظم نیکخواه

صفحه ۱۲

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۹

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۹۷، ۱۳ آوریل ۲۰۱۸

سقوط ریال و چشم انداز سقوط حکومت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

جنبش کارگری با قدرت به پیش میرود! کارگران نفت فراخوان تجمع دادند!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

رامین حسین پناهی در خطر اجرای حکم اعدام!

کمیته نجات رامین حسین پناهی

صفحه ۱۳

هفته اعتراضات متحدانه به حکم اعدام

رامین حسین پناهی

هفته تلاش متحدانه برای نجات رامین از

حکم وحشیانه اعدام

کمیته نجات رامین حسین پناهی

صفحه ۱۳

به نجات جان رامین حسین پناهی

برخیزیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۱۳

Vortrag



Die Humanisten Tübingen laden zu einem Vortrag von Mina Ahadi ein.
Die aus dem Iran geflüchtete Frauenrechtlerin ist Vorsitzende des Zentralrats der Ex-Muslime.

„Frauenrechte und Islam – ein lebenslanger Kampf gegen den politischen Islam.“

Datum: Samstag den 28.4.2018
Ort: Begegnungsstätte Hirsch
Hirschgasse 9
Tübingen - Saal im 1. Stock
Zeit: 19 bis 21 Uhr

Eintritt frei



سخنرانیهای

مینا احدی

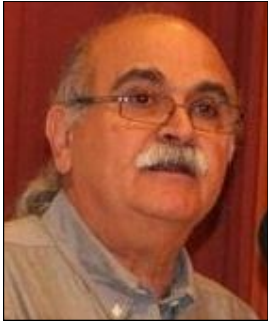
در ماه آپریل در

آلمان

صفحه ۱۴

روند سقوط حکومت و جایگاه حزب

این نوشته بر مبنای مصاحبه تلویزیونی کانال جدید با حمید تقوایی تدوین شده است



چطور امکانپذیر میدانید؟

حمید تقوایی: کلا در مبارزه علیه جمهوری اسلامی پیروزی مردم در گرو عروج یک رهبری انقلابی است. یک رهبری انقلابی که بتواند کل جمهوری اسلامی را زیر بکشد. این را هم میدانیم که جامعه و جنبش انقلابی حاضر هنوز رهبری خودش را انتخاب نکرده و هیچ نیروی نمیتواند ادعا کند که بالفعل رهبر انقلاب است. ولی در عین حال همین حرکت و در همین سطح نشان داده است که جامعه بسیار چپ و رادیکال است. مطالبات و اهداف رادیکالی دارد و خواهان سرنگونی حکومت با همه جناحهایش هست. این حرکت به نظر من حتی در همین شرایط فعلی که هنوز از رهبری برخوردار نیست آن قدرت را دارد که بتواند ماجراجویی های حکومت را خنثی کند ولی اگر بحث بر سر پیشروی و تعمیق و گسترده‌تر شدن این حرکت و پیروزی آن است این امر در گرو تأمین یک رهبری انقلابی بر کل این حرکت هست.

خلیل کیوان: به این اشاره کردید که مطالبات و اعتراضات مردم ایران چپ است. ولی میدانیم چپ در عرصه سیاست تنها نیست، راست هم هست. آیا از هم اکنون میتوان گفت که مردم نهایتاً کدام افق را، افق چپ و یا افق راست را، انتخاب خواهند کرد؟

حمید تقوایی: از لحاظ تحلیلی - نظری اینکه جامعه بالاخره چپ و یا راست را انتخاب میکنند موضوع بازی هست که به عملکرد این نیروها مربوط میشود. همه چیز نشاندهنده آنست که جامعه چپ را انتخاب خواهد کرد مشروط بر اینکه یک نیرو و حزب رادیکال و انقلابی در صحنه باشد که واقعا درد و اعتراض و خواسته های عمیق و انسانی مردم را نمایندگی کند. تا همین جا وقتی شعارهای مردم را مد نظر قرار میدهید، وقتی مردم شعار میدهند حقوقهای نجومی

بزند و تلاش کند با یک اقدام شبه کودتا، به شکلی توافق شده و "مسالمت آمیز" از بالا، قدرت را به سردارن سپاه منتقل کند. ولی من فکر میکنم جامعه تن به آن نخواهد داد و به سرعت از حکومت نظامی گذر خواهد کرد.

خلیل کیوان: منظورتان اینست که این ایستگاه آخر جمهوری اسلامی است؟

حمید تقوایی: این آخرین "راه حل" ای است که میتوانند امتحان کنند. از نظر اقتصادی که می بینیم به چه وضعی افتاده اند، سقوط آزاد ریال نماد فروپاشی کامل اقتصاد جمهوری اسلامی است، و این به معنی اعمال فشار بیشتری بر گرده توده مردم زیر خط فقر است که دیگر قادر به تأمین نان خالی هم برای خود و خانواده شان نخواهند بود. این جامعه را در یک حالت انفجاری قرار داده است. از نظر اقتصادی حکومت حتی قادر نیست قول و وعده ای بدهد.

از نظر سیاسی هم که می بینیم همه باندها و مقامات حکومتی یقه یکدیگر را گرفته اند. خیلی ها معتقدند باید از رهبر "گذر کرد و خامنه ای را کنار گذاشت مگر فرجی حاصل بشود. از سوی دیگر برکناری خامنه ای به معنی فروریختن کل نظامشان است. بنابراین از نظر سیاسی و اقتصادی راه حلی ندارند. آنچه باقی میماند اقدام نظامی است. یعنی تلاش کنند که با اصطلاح مشت آهنین جامعه را منکوب و مرعوب کنند ولی این مشت آهنین بیشتر به یک مشت پلاستیکی و یا حلبی شبیه خواهد بود. و به سرعت جامعه میتواند از آن گذر کند.

خلیل کیوان: میگوئید جامعه با چنین کودتائی مقابله میکنند. جنبش اعتراضی، با توضیحاتی که دادید، به مقابله برخواید خاست. پیروزی این حرکت جنبش اعتراضی مردم در مقابل یک دولت نظامی را

آمریکائیگیری و غیره شرایط را بحرانی کرده اند، و دار و دسته احمدی نژاد هم به هر دو آنها حمله میکند. نفس این کشمکش نشان میدهد که هیچکس راه حل اثباتی ای ندارد.

خلیل کیوان: الان زمزمه هائی هست در این مورد که یک دولت نیمه نظامی یا نظامی روی کار بیاید. در این مورد چه فکر میکنید؟

حمید تقوایی: این امکان هست. واضح است که حکومت سادگی استعفا نمیدهد و کنار نمیکشد. بالاخره مردم باید بقدرت اعتراضات و مبارزاتشان آنرا بر زیر بکشند. ولی در این فاصله حکومت از هر امکانی برای حفظ خود استفاده میکند از جمله بخصوص از نیروهای نظامی و انتظامی اش، سپاه بسیج، ارتش و غیره و تشکیل یک دولت نظامی و نوعی حکومت نظامی. این را باندهای حکومتی علنا مطرح کرده اند. این یکی از راههایی هست که از نظر حکومتیها میتواند بر طول عمر نظام شان بیفزاید. اما واقعیت اینست که گرچه این اقدام ممکن است در ابتدا با شوکی که به جامعه وارد میکند فرصتی برای حکومت بخرد ولی این به سرعت سپری خواهد شد. من فکر میکنم برسر حکومت نظامی اسلامی هم مردم همان را خواهند آورد که بر سر حکومت ازهاری در انقلاب ۵۷ آوردند. آن دوره حتی دولت خیلی منسجم تر از اینها پشت شاه بود. الان خیلی از رژیمهای حتی در رده های بالا پشت رهبرشان نیستند. از سوی دیگر باندها و دار و دسته های حکومتی هر یک نیروی نظامی و انتظامی خودش را دارد. در سپاه و بسیج و ارتش و نیروهای انتظامی جناحها ابادی خودشان و نیروهای خودشان را دارند و به این دلیل از نظر نظامی هم رژیم منسجم نیست. با این حال احتمالش کم نیست که رژیم از سر ناچاری دست به ماجراجویی نظامی

خلیل کیوان: بحران عمیقی کشور را فراگرفته و همه دارند از قریب الوقوع بودن سقوط حکومت صحبت میکنند. آیا رژیم برای خروج از این وضعیت راه حلی دارد؟

حمید تقوایی: حتما تلاشهای زیادی خواهند کرد ولی به نظر من این تلاشها بجائی نخواهد رسید. حکومت در سراسر شیب سقوط قرار گرفته و این را شاید بیشتر از همه در موضعگیریها و دعاوها و کشمکشهای بین حکومتیها، جناحهای مختلف و باندها و مقامات حکومتی، میتوان مشاهده کرد. خیزش دی ماه دور تازه ای را در سیاست ایران آغاز کرد که امروز بازتاب آنرا ما مستقیماً در چهره وحشترده حکومتی ها می بینیم. شورای نجات ملی درست میکنند، فرماندهم را مطرح میکنند، حتی روحانی خواهان رفتارند میشود، از کودتا و دولت نظامی صحبت میکنند، حملات به خامنه ای شدت گرفته و حتی بخشهایی از خود اصولگرایان، دار و دسته احمدی نژاد، حزب انقلاب اسلامی و غیره رهبرشان را مسئول این شرایط میدانند و او را گویزن مینامند و غیره. کاملاً اوضاع حکومت به هم ریخته است. همه میدانند طوفانی در راه است اما نمیدانند چه بکنند. این وضعیت به نظر من بیش از همه این واقعیت را نشان میدهد که حکومت در حال سقوط است و مفری نخواهد داشت.

خلیل کیوان: آیا هیچیک از جناحها راه حلی ندارند؟

حمید تقوایی: هیچکدام از جناحها راه حلی ندارند منتھی هر یک مسئول این اوضاع را جناح مقابل میدانند. یکی میگوید بخاطر برجام و ورشکستگی سیاستهای روحانی این وضع پیش آمده، میگویند روحانی انتظارات و توقعات را بالا برد و این وضع پیش آمد، دیگری میگوید اصولگرایان با تاکسید بر حجاب و ضد

فلاکت عمومی، وقتی شعار میدهند نماینده شصت میلیون معلم یک میلیون، وقتی شعار میدهند ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده و کلا شعارهایی که نه فقط فقر و یاسخوگویی به نیازهای معیشتی جامعه، بلکه اساساً تبعیض و فاصله فاحش بین فقر و ثروت را هدف قرار میدهد و میگوید این را نمی پذیریم و این را نمیخواهیم، کارگران وقتی در دفاع از ۵ میلیون حداقل دستمزد بیانیه میدهند و اعلام میکنند حقوقهای نجومی باید لغو بشود. وقتی کارگران دست به عمل مستقیم میزنند و میگویند کارخانه مال ما است، وقتی مردم اعلام میکنند اصلاح طلب اصولگرا دیگه نمومه ماچرا و جمهوری اسلامی نمی خواهیم و غیره و غیره، در همه این موارد چهره چپ و رادیکال جامعه بوضوح قابل مشاهده است. اینها البته به این معنی نیست که مردم کمونیست شده اند و یا طرفدار کمونیستها هستند بلکه به این معنی است که بطور عینی و واقعی دردی که مردم دارند و نقد و اعتراضی که به این شرایط دارند بسیار عمیق و ریشه ای و ضد کلیت وضع موجود هست و به این معنی کاملاً جامعه چپ است. این شرایط نشان میدهد که شانس احزاب و نیروهای چپ بسیار بیشتر از راست است.

این را هم بگویم که همه نیروهای اپوزیسیون در شرایط انقلابی انقلاب پناه میشوند. سلطنت طلبهایی که تا دیروز انقلاب را خشونت و شورش بی سرو پاها میدانستند و مدام راههای تغییر "مسالمت آمیز" و از بالای سر مردم را توصیه میکردند امروز طرفدار انقلاب و اعتراضات انقلابی مردم شده اند. و یا اصلاح طلبانی نظیر خانم شیرین عبادی که

تا دیروز خواهان استحاله بودند امروز از مواضع گذشته شان اظهار پشیمانی میکنند. ظاهراً همه اینها امروز طرفدار مردم انقلابی هستند. ولی مردم فرصت طلبی این انقلابیون^۱ که بنا به مصلحت روز مهمان انقلاب شده اند و از سر ناچاری از انقلاب دم میزنند را به خوبی تشخیص میدهند. سابقه این نیروها کم نمیشود. مردم میدانند که نیروهای اپوزیسیون راست هم مثل خود حکومت که امروز از تغییرات بنیادی و رفرا نمود و شورای نجات ملی وغیره صحبت میکنند، زیر فشار جنبش انقلابی مردم انقلاب پناه شده اند. اصلاح طلبان و سلطنت طلبانی که اصلاً گروه خونشان به انقلاب نمیخورد امروز مدعی انقلابیگری شده اند تا بتوانند انقلاب مردم را کنترل کنند و به بیراهه ببرند.

مردم آن نیروئی را انتخاب خواهند کرد که در تمام مدت فعالیتش، آروز که جامعه آرام به نظر میرسد و اصلاح طلبان و خط استحاله در مرکز توجه بود و رژیم چنگ گنتمان سلطنت طلبها بود، خواهان و مدافع انقلاب بوده است و تنها راه رهایی و آزادی را سرنگونی حکومت بقدرت انقلابی مردم میدانسته است. نیروئی مانند حزب کمونیست کارگری.

امروز در خیابانها انعکاس مبارزات، انعکاس شعارها، و انعکاس کمپین ها و کارزارهای حزبی را شما دارید به عیان می بینید. گرایش به چپ جامعه و خواستهای انقلابی مردم "خودبخوی" و ابتدا ساکن بوجود نیامده است. حزب ما نه تنها این شرایط را پیش بینی میکرده و خواستار آن بوده است بلکه در ساختن و شکل دادنش مستقیماً نقش ایفا کرده است. جامعه نهایتاً به چنین حزبی روی خواهد آورد.

خلیل کیوان: به حزب کمونیست کارگری و ارتباطش با اوضاع جاری بعداً میپردازیم. میخواهم اینجا این سؤال را با شما درمیان بگذارم که آیا به این نحوی که شما توضیح میدید راست هیچ شانس ندارد؟ عده ای میگویند آمریکا میرود پشت سلطنت طلبها و این نیرو را روی کار می آورد.

حمید تقوائی: بله این یک

سناریوی محتمل هست. نیروهای راست شروع میکنند به تعریف ایستگاهها و نقطه سازشهایی برای منحرف کردن و متوقف کردن اعتراضات و انقلاب مردم. یکی از این تمهیدات میتواند نوعی مهندسی دولت از بالا باشد با پشتیبانی آمریکا و اروپا. وقتی انقلاب مردم آقدر قدرت بگیرد که رژیم را کاملاً تضعیف کند چنین سناریوهایی ممکن است اما بحث بر سر این نیست بلکه بر سر اینست که چقدر اینها میتوانند سر کار بمانند. چقدر میتوانند قدرت را نگهدارند؟

شانس بقدرت رسیدن نیروهای راست با توجه به مضمون و شعارها و اهداف چپ و رادیکال اعتراضات مردم و انتظارات و توقعات انسانی و رادیکال آنها زیاد نیست ولی حتی اگر فرض کنیم این سناریو با هر درصدی عملی بشود و شاه یا شورای سلطنت و یا هر نیرو و ترکیب دیگری را از بالا بقدرت برانند به نظر من چنین دولتی شانس بقا ندارد و حداکثر یک حالت گذار در سیر انقلاب مردم خواهد بود. ببینید حکومتی، نیروئی، حزبی میتواند به قدرت برسد و در قدرت بماند که به آرمانها و خواستهای انقلابی مردم جواب بدهد. و سازمانها و احزاب راست در طی تمام فعالیتهايشان و استراتژی و سیاستها و مواضعشان نشان داده اند که چنین نیروئی نیستند. چه حزبی واقعا میخاهد و میتواند حقوقهای نجومی را لغو کند و فاصله بین فقر و ثروت را از بین ببرد؟ نیروهای سرکوبگر را منحل کند و مقوله زندان و زندانی سیاسی را کاملاً از نقشه جغرافیای سیاسی ایران پاک کند و بگوید زندانی سیاسی نخواهیم داشت؟ چه نیروئی میتواند واقعا زن و مرد را برابر اعلام کند؟ میتواند آزادیهای بی قید و شرط را برسمیت بشناسد و مردم را به جرم اقدام علیه امنیت و توهین به مقدرات ملی و مذهبی وغیره زندان نیاندازد؟ چه نیروئی میتواند حقوق مردم منسوب به ملیتهای دیگر و تحت ستم ملی در ایران را برسمیت بشناسد و آنها را تحت عنوان جدائی طلب و به خطر انداختن تمامیت ارضی وغیره سرکوب نکند؟ چه نیروئی میخاهد مذهب را نه تنها از دولت جدا کند

بلکه از مناسبات اجتماعی و از فرهنگ جامعه پاک کند و مذهب رسمی را لغو کند؟ چنین نیروئی میتواند جامعه را به پیروزی برساند. هر قدر هم که از بالای سر مردم قدرت سازی کنند بالاخره باید جواب مردم را بدهند و نیروهایی که به این ترتیب بقدرت رانده میشوند بهیچوجه اهل این میدان نیستند. و نمیتوانند به هیچ يك از خواستهای برحق و انسانی مردم پاسخ بدهند. به همین دلیل اعتراضات و مبارزات مردم ادامه خواهد یافت.

من از اینجا این نتیجه را میگیرم که گرچه این امکان هست که از بالا مهندسی بکنند و ایستگاههایی برای سازش ایجاد کنند ولی قادر به حفظ قدرت نخواهند بود. ممکن است در مقطعی نیروهای دوخردادی بجلو رانده شوند، ممکن است خامنه ای را کنار بگذارند، ممکن است سلطنت طلب و اصلاح طلب دولت موقت تشکیل بدهند وغیره وغیره. همه این سناریوها ممکن است ولی اینها صرفاً اپیزودها و مراحل گذرانی از روند انقلاب خواهند بود. توده مردم انقلابی و حزب ما که خواستها و اهداف انقلابی و انسانی مردم را نمایندگی میکند اجازه نخواهیم داد که چنین حکومتهایی بتوانند در قدرت بمانند.

خلیل کیوان: امروز اصلاح طلبانی که از حکومت بیرون پرتاب شده اند از يك اصلاحات بنیادی و مثلاً زیر و رو کننده صحبت میکنند. آیا اینها نمیتوانند جلودار يك حرکتی باشند و ائتلاف گسترده ای را شکل بدهند که بخشی از حکومت و سلطنت طلبان را در بر بگیرد - تحت عنوانی نظیر نجات ملی و یا وحدت ملی و آشتی ملی و غیره- و آمریکا هم از آنها حمایت کند؟ آیا این سناریوی ممکن نیست؟

حمید تقوائی: معمولاً طبقات حاکم در مقابل انقلابات دست به چنین اقداماتی میزنند. اینها میشود گفت تحولات کلاسیکی درمقابل با انقلاب است. آشتی ملی و وحدت ملی و شورای ملی و شورای نجات وغیره را در واقع در برابر "خطر" انقلابی که میرود کل نظام موجود را زیر و رو کند علم میکنند. از نظر نیروهای راست

اینها، همانطور که نهضت آزادی در بیانیه ای در هفته قبل اعلام کرد، راههایی است برای جلوگیری از "خشونت" انقلاب که تحت عنوان "اصلاحات بنیادی" و در واقع برای حفظ نظم موجود به حکومت در حال سقوط پیشنهاد و توصیه میشود. انقلاب را خشونت و آناشتی و هرج و مرج معرفی میکنند و در برابرش دولت وحدت و آشتی ملی را علم میکنند.

اماحتی تغییرات و اصلاحات بنیادی در نظام موجود جواب نیست. مردم میخواهند کل این نظام زیر و رو بشود. مردم بازگشت کسانی که تا دیروز و یا پریروز - در حکومت شاه - وزیر و وکیل و کاره ای بودند و از بد حادثه به اپوزیسیون پرتاب شده اند را تحت عنوان شورای نجات ملی و غیره نمی پذیرند. هیچ گوشه ای و هیچ ترکیبی از اسلام و روحانیت "خوب و معتدل" و مقامات سابق و اسبق را مردم نمی پذیرند. این که دوره اعتراض و انقلاب تمام شد و کارگران بروید کمربندها را سفت کنید و بیشتر کار کنید و کمتر بخاهید تا ایران را آباد کنیم - آنچه دولتهای نوع نجات ملی تلاش خواهند کرد عملی کنند - را کسی نمی پذیرد. اینکه به حقوقهای نجومی نمیتوانیم دست بزنیم، مدیران و پیمانکاران را لازم داریم و ریاضتکشی اقتصادی را باید تحمل کنید تا خرابی ها جبران شود وغیره را مردم نمی پذیرند. یا بهتر است بگویم جامعه تا همین جا نشان داده است که اینها را نمی پذیرد و حزب ما در میدان هست که نگارنده مردم این را بپذیرند. اجازه ندهد عوامفریبی مردم را به بیراهه بکشاند. بنابراین هر نوع ترکیبی که شما تصور کنید، سلطنت طلب، اصلاح طلب، بخشی از حکومتی ها، وغیره دور هم جمع بشوند و بر فرض دولت آمریکا هم از آنها پشتیبانی کند، جامعه آنها را پس خواهد زد. مردم اعلام کرده اند کل جمهوری اسلامی را نمیخواهند و منظورشان فقط روحانی - خامنه ای و یا کابینه فعلی نیست. تمام کسانی که در رژیم دست داشته اند، تمام کسانی که آمر و عامل کشتارها و بگیر و ببندها و دزدیها و چپاولها در طی حکومت جمهوری اسلامی بوده اند نه تنها باید بزیر

کشیده شوند بلکه باید محاکمه بشوند و به مردم حساب پس بدهند. کسانی که دستشان بخون مردم آغشته است و اموال مردم را غارت کرده اند و ثروتهای نجومی به جیب زده اند نمیتوانند لباس شان را عوض کنند و ریششان را بتراشند و کراوات بزنند و در قامت دولت وحدت ملی و نجات ملی وغیره بمیدان بیایند. مردم اجازه نخواهند داد. گرایش ضدیت با حکومت و اصلاح طلبان رانده شده به اپوزیسیون و ضدیت با هر نیروئی که به سازشی با مقامات سابق و اسبق برسد در جامعه خیلی قوی است و حزب ما این گرایش را نمایندگی میکند. ما و مردم در برابر این نوع معماریهای قدرت از بالا خواهیم ایستاد.

خلیل کیوان: روند اوضاع را چطور میبینید؟ عده ای میگویند سرنگونی جمهوری اسلامی در گرو اینست که يك رهبری شکل بگیرد. آیا تا وقتی که چنین رهبری ای شکل نگرفته حکومت سر جای خودش باقی است؟

حمید تقوائی: اینطور نیست. رهبری برای به پیروزی رساندن انقلاب لازم است ولی اینطور نیست که تا رهبری شکل نگیرد حکومت سر جای خودش هست. حکومت میتواند از درون فرو بیاشد، سقوط کند، میتواند با کودتا و با انواع سناریوهایی که صحبت کردیم کنار برود. همه اینها میتواند اتفاق بیفتد و هنوز رهبری انقلابی شکل نگرفته باشد. ولی این نوع تغییرات و جایجائی قدرت از بالا به معنی پیروزی مردم نیست. به این معنی نیست که مردم به خواستهای انسانیشان، به آزادی و رفاه و برابری، رسیده اند. بنابراین سؤال اینجاست که کی مردم پیروز میشوند. پیروزی به معنی بزیر کشیدن حکومت و تامین نیازها و خواستها و مطالباتی که مردم در روند انقلاب و کلا در روند مبارزاتشان علیه جمهوری اسلامی در تمام دوره سلطه این رژیم مطرح کرده اند. این امر در گرو رهبری است.

خلی ها میگویند این رهبری وجود ندارد. رهبری به این معنی که جامعه واقعا حزب و نیروئی را انتخاب کرده باشد هنوز وجود ندارد - هیچ انقلابی با رهبرش زاده



نمیشود - ولی حزبی که بتواند این نقش را ایفا کند وجود دارد: حزب کمونیست کارگری. نه به این خاطر که ما فقط ادعا میکنیم و یا حتی سیاستهای رادیکالی داریم و حرف دل مردم را میزنیم ولی بیش از آن و مهم تر از آن به اعتبار سابقه سی ساله این حزب، بخاطر مبارزه و فعالیت پیگیری که داشته و جنگی که در جبهه های مختلف به پیش برده، ببینید، مردم میخوانند جمهوری اسلامی برود چون میخوانند فقر نباشد، برای اینکه میخوانند این فاصله عمیق بین آیت الله های میلیاردی و توده مردم بزیز فقر رانده شده از بین برود، بخاطر اینکه میخوانند مجازات اعدام نباشد، بخاطر اینکه میخوانند کسی با اتهامات سیاسی به زندان نیفتد و زندان و زندانی سیاسی وجود خارجی نداشته باشد، برای اینکه میخوانند هیچ محدودیت و مقدمات و تابوهای آزادی عقیده و بیان و تشکل و تحزب و اعتصاب و اعتراض را محدود و مشروط نکند، بخاطر اینکه میخوانند مذهب نه تنها از دولت بلکه از تمام مناسبات اجتماعی، از فرهنگ جامعه و بعنوان معیار و معلم اخلاق از جامعه جارو بشود. مذهب رسمی نداشته باشیم و کسی را بخاطر اینکه شیعه نیست یا بهائیت و یهودی و درویش هست و یا کافر و مرتد هست بگیرند و ببندند و اعدام کنند. مردم میخوانند کل این بساط از بین برود. من میپرسم در همه این عرصه ها چه حزبی حاضر و فعال بوده است و شعار و پلافرم و افق و پرچم مبارزه مردم را در دست داشته و نمایندگی میکرده است؟ حزب کمونیست کارگری ایران. حزبی که از بدو تاسیسش اعلام کرده است با انقلاب باید این حکومت را بزیر کشید و این وضعیت را زیر و رو کرد و انقلاب امروز در خیابان است. این حزب رهبر انقلاب هست. حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه و سیاستها و پراتیک ده ها ساله اش رهبر انقلاب هست. بالفعل هنوز از جانب توده مردم انتخاب نشده است چون هیچ انقلابی با رهبرش بدنیا نمی آید. ولی مطمئن باشید این اتفاق خواهد افتاد.

خلیل کیوان: به این سؤال و نقش حزب در این اوضاع مجددا

برمیگردم. قبل از آن سؤال اینست که اگر تحولی از بالا صورت بگیرد و خامنه ای را به نوعی به حاشیه برانند و بند و بستی نکنند و حکومتی در بالا شکل بگیرد آیا مردم بخانه خواهند رفت و اوضاع آرام خواهد شد؟

حمید تقوایی: به نظر من این اتفاق نمی افتد. این حتی در گرو رهبری به معنی صریح و مستقیم هم نیست. به حکم شرایط عینی اینطور است. همانطور که گفتم مردم فقط بخاطر اینکه با خامنه ای مخالفند به خیابان نیامده اند. اگر امروز شعار مرگ بر خامنه ای همه جا را برداشته بخاطر اینست که خامنه ای را بعنوان محور و رکن حکومت مورد حمله قرار میدهند. مرگ بر خامنه ای یعنی کل این سیستم باید برود همانطور که شعار مرگ بر شاه در انقلاب ۵۷ به معنی مخالفت با کل نظام سلطنت بود. مرگ بر خامنه ای یعنی کل این نظام موجود و کل جمهوری اسلامی را نمیخواهیم. مردم با این هدف دارند مبارزه میکنند. بنابراین در برابر هر نوع ترفندی که خامنه ای را حاشیه ای بکند و کل نظام و یا حتی بخشی از آن را حفظ کند مردم همچنان و حتی با شدت و گستردگی بیشتری به مبارزه برای تحقق خواسته هایشان ادامه خواهند داد. اجازه بدهید اینجا یادآوری کنم که در انقلاب ۵۷، بعد از قیام بهمن که خارج از اراده و کنترل خمینی و همراهانش رخ داد، و بعد از قدرت رسدن جمهوری اسلامی انقلاب همچنان ادامه پیدا کرد. میدانید که خمینی خیلی نفوذ و اتوریته داشت. تصویری که از او ساخته بودند که گویا اونماینده خواستهای مردم است و اصلا مردم بخاطر گل روی اسلام انقلاب کرده اند. این را توانسته بودند به جامعه و به بخش وسیعی از مردم بفروشد. علیرغم این از قیام بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تلاطم انقلابی ادامه یافت. شوراها همه جا تشکیل شده بود، در دانشگاهها چپ قوی بود، مردم کردستان و ترکمن صحرا برای رفع ستم ملی پیا خاسته بودند، کارگران در بسیاری از کارخانه ها کنترل تولید را بدست گرفته بودند، جنبش زنان علیه حجاب و دیگر قوانین ضد زن فعال بود و غیره و غیره. بالاخره توانستند بعد از

نزدیک به سه سال، در سی خرداد ۶۰ و با اتکا به معرکه تسخیر سفارت آمریکا و جنگ با عراق، شمشیرها را از رو ببندند و بکوبند و بزنند و انقلاب را سرکوب کند. این تازه در شرایطی بود که انقلاب بدنبال اختناق گورستان آریامهری اتفاق افتاده بود و نه بدنبال جنبشهایی نظیر آنچه مدتهاست جمهوری اسلامی را در عرصه های متعددی بچالش کشیده است. امروز بطریق اولی نمیتواند با تغییراتی نظیر کنار گذاشتن ولی فقیه اعتراضات و انقلاب مردم را متوقف کند. هر معماری قدرتی صورت بگیرد نمیتواند جامعه را کنترل کند و توده مردم با قدرتی بیشتر از دوره ۵۷- ۶۰ به خیابان خواهند آمد و در برابر آنها خواهند ایستاد.

یک فرق اساسی شرایط حاضر با گذشته اینست که حزبی مثل حزب کمونیست کارگری فعال و در صحنه است و این حزب با تمام توانش اجازه نمیدهد انقلاب مردم را قیچی کنند. **خلیل کیوان:** برای تامین یک رهبری چپ بر جنبشی که در مقابل حکومت صف آرائی کرده است آیا یک ائتلافی از همه نیروهای چپ ضروری نیست؟

حمید تقوایی: ائتلاف و وحدت نیروهای چپ خیلی خوب است به شرط اینکه حول آن سیاستی باشد که واقعا میتواند انقلاب را پیروز کند.

خلیل کیوان: منظورتان چیست؟ این را باز کنید.

حمید تقوایی: منظور اینست که یک چپ دخالتگر، یک چپ سیاسی و نه یک فرقه ایدئولوژیک، یک چپ عمیقا انسانگرا، چپی که نه تنها طبقه کارگر بلکه کل جامعه را در مقابل جمهوری اسلامی نمایندگی کند، چپی که خواستهای مردم و اعتراضات مردم علیه هر تبعیض و بیحقوقی ای که در جامعه هست، و نقد و نه عمیق مردم به جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند، چپی که خواستار آزادی زن است نه به این معنی که با تحقق سوسیالیسم زن هم آزاد خواهد شد بلکه آزادی زن، و آزادی همه اقشار تحت ستم، فی النفسه و در خود امر او است و از همین امروز علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسی فعالانه در میدان است، چپی که علیه اعدام از روز اول ایستاده، چپی

که در دفاع از آزادیهای بی قید و شرط از همان زمان که روزنامه میزان را در سال ۵۸ بستند تا امروز جنگیده است، تنها ائتلاف چنین نیروهایی میتواند در خدمت تاسیس رهبری انقلاب باشد. متأسفانه همه چپ شریک در این حرکت نیست، ولی آن نیروهایی که این خصوصیات را دارند میتوانند حول پلافرمی که رئوسش را گفتم یعنی اعتراض عملی دخالتگرانه و فعال در هر جا که یک ذره ظلم و نابرابری و مقاومت و مبارزه و اعتراض هست گرد هم بیایند. چپی که معتقد است این یا آن اعتراض به طبقه کارگر مربوط نیست و مال شمال شهری هاست - مانند آنچه در مورد جنبش عظیم زنان علیه حجاب در ۸ مارس ۵۷ گفتند و هنوز در مورد حرکت امروز دختران انقلاب هم بسیاری از سازمانهای باصطلاح چپ موضع مشابهی دارند- یا چپی که معتقدست مساله زن یا حجاب و آپارتاید جنسی مساله کارگران نیست، این چپ اهل میدان رهبری انقلاب و جامعه نیست. این چپ نمیتواند از جانب جامعه انتخاب بشود و در جایگاه رهبر انقلاب قرار بگیرد.

تنها یک حزب فعال و دخالتگر که با یک دید وسیع و اجتماعی از نقش طبقه کارگر و با یک دید وسیع و اجتماعی و سیاسی از مبارزه طبقاتی در اعتراض به هر ظلم و نابرابری حاضر و در صحنه باشد و فعالانه مبارزه کند شایستگی و توانائی کسب و ایفای نقش رهبری انقلاب را خواهد داشت.

خلیل کیوان: حزب کمونیست کارگری برای تامین رهبری انقلابی بر اعتراضات مردم تلاش میکند. چرا فکر میکنید حزب قادر است و میتواند چنین رهبری ای را را تامین کند؟

حمید تقوایی: دو دلیل دارد. دو دلیل خیلی سر راست. یکی برنامه یک دنیای بهتر، سیاستها، مواضع و اهداف و شعارهای حزب است. که همانطور که گفتم فراگیر است، آزادی کل جامعه را تصویر میکند و نوید میدهد و نشان میدهد چطور میتوانیم آزادی و برابری و رفاه برای کل جامعه را متحقق کنیم. دوم، و شاید فاکتور مهمتر، تجربه و کارنامه و سابقه عملی و

پراتیک انقلابی حزب است. حزب ما از بدو تاسیس خودش در تمامی این عرصه هایی که به آن اشاره کردم حضور داشته و فعال بوده است. چهره هایی دارد که در این عرصه ها شناخته شده هستند. از جنبش کارگری بگیرد تا مبارزه برای حقوق پناهندگی تا حقوق کودکان تا مبارزه علیه اعدام و مبارزه علیه سنگسار - به نحوی که ما با کمپینی که به نجات جان سکینه محمدی آشتیانی منجر شد سنگسار را عملا در ایران متوقف کردیم. و همینطور توانستیم کسانی نظیر کبری رحمانپور و نازنین فاتحی و شهلا جاهد را از اعدام نجات بدهیم. ما حزب مبارزه علیه اعدام در شرایطی هستیم که حتی بسیاری از چپها به اعدام بقول خودشان نیروهای ضد خلق و ضد انقلابی اعتراضی نداشتند، و در شرایطی که دفاع از آزادیهای بی قید و شرط برخاستیم که تقریبا همه نیروهای اپوزیسیون، از چپ و راست، و محیوتیهای برای آزادی قائل بودند. حزب ما در همه این عرصه ها ایستاد و نه تنها جنگید بلکه انتظارات و توقعات مردم را از آزادی و از رفاه و از برابری بالا برد. موقعیت و نفوذ حزب ما امروز در جنبش کارگری و در جنبش های اعتراضی در جامعه حاصل این فعالیتهای پیگیر و همه جانبه است. سابقه و کارنامه حزب ما به همان اندازه برنامه یک دنیای بهتر و سیاستها و مواضع و شعارهای ما بیانگر این واقعیت است که حزب ما انقلاب را نمایندگی میکند و میتواند مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی را به پیروزی برساند.

من فکر میکنم در شرایط انقلابی امروز شیب زمین به نفع ما است. آن زمانی که بسیاری از چپها از دفاع از کارگر این را میفهمیدند که توقیف روزنامه میزان مساله ما نیست و یا اعتراض علیه حجاب متعلق به زنان شمال شهر است، و یا مسائل اقشار دیگر جامعه مسائل مباره برای سوسیالیسم مربوط نیست، و زمانی که نیروهای راست اپوزیسیون طرفدار استحاله و خط تغییرات تدریجی و غیره بودند، ما نقد و اعتراض و مبارزه ای را

نماینده‌گی کردیم و به پیش بردیم که امروز در خیابانهاست. امروز جامعه نشان میدهد که ما محق بودیم و ما خواسته های عمیقا انسانی مردم را نمایندگی کرده ایم. اگر امروز اصلاح طلبان پشیمانند ما به گذشته مان افتخار میکنیم. و این سرمایه ای هست که به نظر من حزب ما را بعنوان رهبر انقلاب به جامعه میشناساند و از جانب توده مردم انقلابی قابل انتخاب میکند.

خلیل کیوان: با این تفصیل میخواهم از شما که حزب کمونیست کارگری را شاید بهتر از هر کس دیگر میشناسید و از توانایی ها و ظرفیتهای و از امکاناتش خبر دارید بپرسم آیا این حزب اراده و این تمایل و این توان را دارد که مسئولیت کشور را بعهده بگیرد؟

حمید تقوایی: مسلما. ما برنامه این کار را داریم. ما سیاستهای مشخصی را از همان بدو تاسیس حزب اعلام کرده ایم. ما در برنامه یک دنیای بهتر طرح جامعه داریم برای ساختمان شورائی حکومت، برای سیستم قضائی، برای تامین حقوق زنان، برای مذهب زدائی از دولت و جامعه، برای تامین آزادیهای بی قید و شرط، برای ایجاد یک جامعه شاد و مدرن و انسانی، برای رفع همه تبعیضات و نابرابریها، برای تامین رفاه مردم، و دفاع از آزادی و برابری و انسانیت در همه عرصه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی. همه این اقدامات ممکن و عملی است چون ما سوسیالیست هستیم، برای برپائی جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم و نظام سرمایه داری و سازماندهی اقتصاد بر مبنای سود و سود پرستی را نمی پذیریم. تنها حزب ما میتواند به ریاضت کشی اقتصادی پایان بدهد، حقوقهای نجومی را لغو کند و به استعمار و چپاولگریهای یک در صدیهای مفتخور و سرمایه دار نقطه پایان بگذارد و بالاترین استانداردهای رفاهی را در جامعه بر قرار کند. برخلاف حتی لیبرال ترین و باصلاح انساندوست ترین نیروهای راست که اگر بقدرت برسند ناگزیرند سیاست ریاضتکشی اقتصادی را در دستر بگذارند برای آنکه بتوانند سرمایه داری را در ایران احیا کنند. به این معنی حزب ما برای

بدست گرفتن قدرت و تحقق آزادی و برابری و رفاه در جامعه هم برنامه و سیاستهای روشنی دارد و هم سابقه و تجربه و اراده لازم را و هم چهره ها و کادرها و فعالینی که میتوانند این مهم را عملی کنند.

خلیل کیوان: اینجا این سؤال مطرح میشود که با دنیا چه میکنید؟ با همسایه هائی که ممکن است مداخله کنند؟ آیا دنیا شما را قبول میکند؟ دول غربی روی سر شما نمیریزند؟

حمید تقوایی: ما یک جامعه مدرن و انسانی را پی ریزی خواهیم کرد با مدرنترین و متممندانترین روابط بین المللی. حزب ما با پروژه اتمی نه تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا مخالف است. حزب ما سالها علیه جنبش اسلام سیاسی در ایران و در اروپا و در منطقه جنگیده است. حزب ما دخالتگری در کشورهای دیگر را درست نمیداند و نمیخواهد این کار را بکند. میدانید در سطح جهانی ما چطور از جمهوری سوسیالیستی دفاع میکنیم؟ با اعلام مترقی ترین و پیشروترین و انسانی ترین قوانین و سیاستها و عملی ساختن آنها. با لغو اعدام در همان روز اول بقدرت رسیدن. با اعلام اینکه زندان و زندانی سیاسی نخواهیم داشت و همه احزاب آزادند، با تامین شرایط یک جامعه شاد و مدرن و انسانی و مرفه. با باز گذاشتن مرزها. با اینکه هر کس بخواهد در ایران سوسیالیستی زندگی کند شهروند است. ما از همه رسانه ها و خبرنگاران میخواهیم به ایران بیایند و فیلم و خبر و گزارش تهیه کنند. با هر کس میخواهند مصاحبه کنند و در دنیا منعکس کنند.

چنین جامعه ای توده کارگر و توده مردم مترقی و آزادیخواه جهان را در حمایت از جمهوری سوسیالیستی در ایران فعال خواهد کرد و بمیدان خواهد آورد. این نیروی مورد اتکای ما است در برابر توطئه دولتها و نیروهای راست و ارتجاعی در جهان و در منطقه. ما روی نیروی کارگران و توده مردم شریف جهان حساب میکنیم و مطمئن هستیم در عصر اینترنت میتوان شبکه کارآ و موثری از توده و نه در صدیهای دنیا را در حمایت از جامعه و حکومت انسانی در ایران سازمان داد و فعال

کرد.

خلیل کیوان: شما قصد صادر کردن انقلاب و مداخله در کشورهای دیگر را ندارید؟

حمید تقوایی: به هیچوجه. مردم هر کشوری خودشان باید تصمیم بگیرند. ما میخواهیم نمونه

والگویی از یک نظام و جامعه انسانی بدست بدهیم که هر چقدر موفق تر باشد و بیشتر تثبیت شود در سطح وسیعتری به منبع الهام مردم دنیا تبدیل خواهد شد. ما اهل صدور مکانیکی انقلاب به جائی نیستیم. ما میخواهیم جامعه ای

بسازیم که به الگوی همه کارگران و همه توده و نه در صدیها در همه کشورها بدل بشود. جمهوری سوسیالیستی در ایران آزاد ترین و عادلانه ترین و انسانی ترین جامعه ای خواهد بود که دنیا به خود دیده است.

سقوط ریال و چشم انداز سقوط حکومت

جمهوری اسلامی است. طی حدود چهل سال از حیات این حکومت بحران و تورم و رکود داتما بر حیات اقتصادی این کشور حاکم بوده است. جمهوری اسلامی و آخوندهای میلیاردی و آقازاده های مفتخور از قبل این بحران پول و ثروتهای نجومی انبار کرده اند و خون مردم را میکشند. این وضعیت اکنون با حدت بیشتری جریان دارد. سرمایه داران مفتخور و باندهای مافیایی حاکم با مشاهده چشم انداز سرنوشت حکومتشان، با حرص بیشتری می چابند و پولهای نجومی شان را به حسابهای خارجی منتقل میکنند.

این بحران سرنوشتی است که بر جمهوری اسلامی حاکم شده است. مردم آزادیخواه باید خود را برای سرنوشتی هرچه سریعتر حکومت آماده کنند. جمهوری اسلامی و کل این سرمایه داری خون آشامی که طی این چهار دهه، رنج و فقر و مشقت را بر مردم تحمیل کرده باید تماما جارو شود و منابع و ثروتهای اجتماعی عظیم این مملکت از چنگال مفتخوران حاکم بیرون کشیده شود و در اختیار مردم قرار گیرد. معیشت و رفاه مردم را میتوان فوراً تامین کرد و جامعه را از کابوس فقر و گرسنگی و گرانی و بی تامینی نجات داد. این امر فوری انقلاب در ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ فوروردین ۱۳۹۷، ۹ آوریل
۲۰۱۸

میشود. مجموعه این شرایط در کاهش ارزش ریال سهم دارند ولی اساس مساله بویژه در شرایط حاضر سر بلند کردن جنبش انقلابی مردم و چشم انداز سقوط حکومت است. خیزش دیماه حکومت را با بحران های متعدد و فزاینده مواجه ساخته است. سران حکومت و تحلیلگران حکومتی یکی پس از دیگری به بی افقی و عدم توانایی برای حل و یا کاهش بحران خود و ترس از بازگشت موج قدرتمندتر اعتراضات اعتراف میکنند. سقوط ریال بنویه خود ابعاد بحران سیاسی لاعلاجی که حکومت با آن دست بگریبان است را تشدید کرده است.

سقوط ارزش ریال به معنای افزایش فوری قیمت کالاهاست. با همان سرعتی که دلار و پوند گران میشود، نان از سفره مردم کم میشود و گرانی بیشتر زندگی مردم را که بیش از هشتاد درصد زیر خط فقر زندگی میکنند به مشقت بیشتری میراند. بنا به گفته خود مقامات حکومتی یک سوم مردم در فقر مطلق بسر میبرند. این میلیونها نفر تحمل افت و خیز اقتصادی بیشتر و گرانی بیشتر را ندارند. نگرانی از وضعیت بی ثبات اقتصادی و عصبانیت و خشم از عدم امنیت مالی و معیشتی میلیونها نفر از مردم را هم اکنون در برگرفته و میرود که به قیام گرسنگان منجر شود. ترس و وحشت بر کلیه سران حکومت حاکم شده است.

عامل گرانی مداوم و بحران مالی و بی ثباتی اقتصادی خود

این روزها بحران پولی و سقوط ارزش ریال به یک موضوع مهم سیاسی تبدیل شده است. طی روزهای اخیر ارزش ریال ایران با سرعت بسیاری سقوط کرده است. قیمت پورو و دلار و پوند و دیگر ارزهای خارجی تا لحظه کنونی بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته و مدام در حال افزایش است. قیمت دلار از مرز ۶۰۰۰ تومان گذشته است. دیگر ارزها با سرعت بیشتری رشد قیمت نشان میدهند. مردم از ترس بهم ریختگی اقتصادی به بانکها هجوم برده اند تا ریال های خود را به دلار تبدیل کنند. نیروهای انتظامی از ترس شورش مردم در نزدیکی بانکها مستقر شده اند. روند سقوط ریال همچنان ادامه دارد و هر لحظه در حال کاهش است. بانکها و صرافی ها از فروش دلار خودداری میکنند. حکومت با تک نرخی کردن قیمت دلار به تقلائی کنترل بحران افتاده است. حتی اگر بتوانند چنین کنند بحران اقتصادی عمیقی که دامن حکومت را گرفته است علاج ناپذیر است. نوسان لحظه ای قیمت ارزها گویای از هم گسیختگی کامل اقتصاد جمهوری اسلامی است.

دلایل متعددی برای سقوط ارزش ریال آورده میشود. سیاستهای پولی فاجعه آمیز، بی اعتمادی مردم به بانکها، وضعیت بی ثبات سیاسی و چشم انداز فروپاشی حکومت، بی خارجی، و امثال اینها بعنوان عامل سقوط ارزش پول ایران بر شمرده

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید**

پرداخت تمام دستمزدهای معوقه با بخشنامه؟

شهلا دانشفر



سر گذاشتن سالی پر از اعتراض و مبارزه، سالی که مردم با خیزش انقلابی خود به میدان آمدند و گفتمان سرنگونی به گفتمان جاری مردم تبدیل شد، وارد سال ۹۷ شده ایم. و امروز اگر چه مردم بصورت تظاهرات‌های توده‌ای در خیابان‌ها نیستند، اما جامعه انفجاری است و عمق فروپاشی و وضعیت نزار حکومت را در اظهارات حکومیتان و استحاله‌چی‌های سابق حکومتی آشکارا میتوان دید. از جمله نهضت آزادی به فروپاشی جمهوری اسلامی هشدار میدهد، شیرین عبادی از اینکه اصلاحات بی‌فایده است و از خطاهای گذشته اش سخن می‌گویند، جباریان از تئورسین‌های دوم خردادی‌ها از بازگشت قدرتمند تر موج اعتراضات مردم صحبت می‌کند و هشدار میدهد و ۳۰۰ نفر از سران باندهای حزب الهی و احمدی‌نژادی از اینکه کشور در بحران است و راه خروجی برای آن نیست، حرف می‌زنند. نشانه دیگر نیز از همین بساط آشفته حکومت سقوط ریال و افزایش بی‌سابقه قیمت دلار و رسیدن آن به ۶۰۰۰ تومان است که به یک موضوع سیاسی مهم تبدیل شده و از هم گسیختگی کامل اقتصاد جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

این بحران سرنگونی حکومت است. در چنین وضعیتی است که

این سخنان هنوز وعده‌ای بیش نیست. باید با گسترش اعتراضاتمان مجبورشان کنیم که نه فقط حقوقهای معوقه را فوراً پرداخت کنند، بلکه جنبش افزایش دستمزد به بالای خط فقر یعنی بالای ۵ میلیون تومان را به خیابان بیاوریم و کل حکومت و سرمایه داران را به لرزه مرگ بیندازیم.

بزرگی و در اردیبهشت ماه حقوق معوق چند ماهه کارگران این واحدها تسویه شود.

اولین سوال اینست که اگر با بخشنامه حقوقهای معوقه قابل پرداخت بوده است، چرا سالی سال است که کارگران با مشقت برای نقد کردن حقوقهای معوقه شان جنگیده اند و رنج کشیده اند و جمهوری اسلامی هیچ اقدامی در این جهت نکرده است؟ نفس این سخنان کیفرخواستی علیه کل جمهوری اسلامی است.

مساله بسادگی اینست که بخش مهمی از حقوقهای پرداخت نشده مربوط به موسسات دولتی است. و جمهوری اسلامی و وزرای نظیر همین ربیعی در دزدی از سفره فقیرانه کارگران سهیم بوده اند. امروز سینه کارگران پرزور شده و لذا تلاش می‌کنند خاکی به سرشان کنند و بهر شکل شده حقوق پرداخت نشده کارگران را بپردازند و با وعده و وعید برای خودشان زمان بخرند.

سخنان علی ربیعی بیش از هر چیز قدرت مبارزات کارگران و جایگاه جنبش اعتراضی کارگری در فضای سیاسی کل جامعه را به نمایش می‌گذارد. گفته‌های او در عین حال جایگاه مبارزات جانانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز و صنایع فولاد را در مبارزات سراسری کارگری و کل جامعه به روشنی نشان می‌دهد.

بعلاوه، سخنان علی ربیعی نشانگر اینست که کارگران امروز برای پیشبرد خواستها و مطالباتشان در موقعیت قدرتمند تری برای گرفتن طلبهایشان قرار دارند. و نه تنها این، بلکه در موقعیت قویتری برای به میدان آمدن با خواستهایی سراسری چون خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون، بهداشت و درمان رایگان، تحصیل رایگان در تمام سطوح تحصیلی و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن قرار دارند.

واقعیت اینست که دنباله پشت

های سرمایه داران در پناه حکومت دزدسالار حاکم است، جنبش علیه زندگی زیر خط فقر با خواست مشخص حداقل دستمزد ۵ میلیون به جلو می‌آید. این جنبش با شعارهایش در تجمعات اعتراضی کارگران، معلمان و بازنشستگان در سال گذشته خیابانی شده و با بیانیه‌های تشکلهای مختلف کارگری و اعلام این خواست، تعیین بیشتری پیدا کرد.

زیر فشار این اعتراضات است که شورای عالی کار تا ۲۲ فروردین نتوانسته بود تصمیم بر سر میزان حداقل دستمزدها برای سال ۹۷ را نهایی کند و آنرا بصورت بخشنامه ای اجرائی اعلام کند. وزیر همین فشارهاست که علی ربیعی در نوزده فروردین طی اظهاراتی که از سوی خبرگزاری مهر منتشر شده است، از صدور بخشنامه ای برای پرداخت دستمزدهای معوقه در تمامی مراکز کارگری خبر میدهد. نفس بیان این نکته از جانب او، نشانگر استیصال و عقب نشینی حکومیتان در قبال جنبش قدرتمند کارگری و اعتراضات مردم است.

علی ربیعی می‌گوید: "متأسفانه برخی از واحدها و کارخانجات به دلیل مشکلات اقتصادی مدت‌ها حقوق و دستمزد کارگران خود را پرداخت نکردند که در همین راستا با صدور بخشنامه‌ای دستور دادم تا این واحدها شناسایی و به من گزارش شوند" او ادامه داده و می‌گوید: "پس از شناسایی و اعلام این بنگاهها، به صورت جداگانه با مدیران آنها مذاکره خواهم کرد تا شرایط را برای پرداخت حقوق و دستمزد عقب افتاده کارگران فراهم کنیم" ربیعی در ادامه این سخنان از اینکه در چند مورد با تامین اعتبار از منابع بانکی، حقوقهای عقب افتاده برخی از کارگران از جمله کارگران فولاد در اواخر اسفندماه گذشته پرداخت شد، خبر داده و می‌گوید که در هماهنگی با وزیر صنعت، معدن و تجارت قرار است

علی ربیعی از صدور بخشنامه برای پرداخت "تمام دستمزدهای معوقه" خبر داده است. جالب است. ده بیست سال است که کارگران و معلمان و بازنشستگان و حقوق بگیران با دستمزد پرداخت نشده به مدت یک سال و دو سال و بیشتر دست و پنجه نرم می‌کنند و با جنگ و جدال و اعتصاب و راهپیمایی ذره ذره حقوقهایشان را نقد کرده اند، اما اکنون وزیر کار می‌گوید با یک بخشنامه این مساله قابل حل بوده است. داستان چیست؟

اعتراض علیه دستمزدهای به سرقت رفته و جنبش علیه زندگی زیر خط فقر و با خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان دو عرصه مهم اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه است. این اعتراضات بطور واقعی کل بساط تبعیض، نابرابری، و بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم را نشانه گرفته و مستقیماً رژیم را به چالش کشیده است. در نتیجه این اعتراضات کارخانجات مختلف در استانهای مختلف به کانون های داغ مبارزه تبدیل شده و فضای شهرها را تحت تاثیر قرار داده است. یک نمونه برجسته آن اعتراضات کارگران گروه ملی در اسفند ماه ۹۶ و مارش عظیم آنها در وسط این شهر بود که شهر را به تحرك در آورد. نمونه دیگرش اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو در اراک است که از جمله اتفاقات مهم در سال ۹۶ بود که در راهپیمایی با شکوه خود در وسط شهر سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" را سر دادند. همچنین از نوع سراسری اعتراض بر سر این موضوع اعتراضات معلمان، بازنشستگان و کارگران مراکزی چون راه آهن است که با فراخوانهای اعتراضی شان به میدان می‌آیند.

علاوه بر اعتراضات گسترده علیه تعویق پرداخت دستمزدها که گوشه‌ای از دزدیها و بچاپ بچاپ

تفاوت به کانون های داغ مبارزه تبدیل شده و فضای شهرها را تحت تاثیر قرار داده است. یک نمونه برجسته آن اعتراضات کارگران گروه ملی در اسفند ماه ۹۶ و مارش عظیم آنها در وسط این شهر بود که شهر را به تحرك در آورد. نمونه دیگرش اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو در اراک است که از جمله اتفاقات مهم در سال ۹۶ بود که در راهپیمایی با شکوه خود در وسط شهر سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی" را سر دادند. همچنین از نوع سراسری اعتراض بر سر این موضوع اعتراضات معلمان، بازنشستگان و کارگران مراکزی چون راه آهن است که با فراخوانهای اعتراضی شان به میدان می‌آیند.

علاوه بر اعتراضات گسترده علیه تعویق پرداخت دستمزدها که گوشه‌ای از دزدیها و بچاپ بچاپ

تراکت های حزب

کمونیست کارگری ایران

را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری

ایران پیوندید

جنبش علیه حجاب اجباری از ۵۷ تا امروز

سخنرانی فریده آرمان در کنفرانس دختران خیابان انقلاب در پنجم آوریل در استکلهم



موضوع سازمان مجاهدین شبیه خود آیت الله‌ها بود. روز ۲۳ اسفند بیانیته این سازمان در روزنامه اطلاعات چاپ شد که گفته بود: «حجاب چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه.»

زنان هم باید در مقابل سرکوب حکومت می ایستادند هم در مقابل توجیهات جنبش ملی اسلامی و روشنفکران شرق زده و عقب مانده، که می‌گفتند حجاب مساله اصلی نیست. امثال شیرین عبادی‌ها گفتند "زنان مسائل مهمتری دارند." ایشان و همفکرانشان هنرشان این بود که تفسیر و تعبیر صحیح از قرآن و فقه اسلامی بدهند. و ما در مقابل همه اینها گفتم حجاب مساله اصلی است. مگر نمی‌بینید که حکومت همه نیرویش را صرف تحمیل آن کرده است چون میدانند حجاب را که تحمیل کرد سایر بیحقوقی‌ها را هم تحمیل میکند. ما گفتم حجاب هویت حکومت است. بدون حجاب حکومت اسلامی در کار نخواهد بود.

در اردیبهشت ۶۵، رفسنجانی در نماز جمعه گفت: «بعضی از خانها راضی‌اند مویشان بیرون باشد، یا پشت در خانه بایستند تا کسی عبور می‌کند اندام لخت خود را نشان بدهند. به حزب‌الله وعده دادیم این‌ها آدم می‌شوند؛ ولی مثل اینکه یک مقدار احتیاج به خشونت دارند.» در اردیبهشت سال ۶۷ هم گفت: «خانم‌های بدحجاب در خیابان‌های تهران زیاد گستاخ شده‌اند؛ به خاطر جنگ سخت‌گیری کم شده است.»

اما زنان آنطور که رفسنجانی میگفت آدم! نشدند بلکه خود رفسنجانی بود که ۱۵ سال بعد آدم! شد و در سال ۸۲ شروع به انتقاد از

مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی، برای بی حجابی در معابر عمومی، ۷۴ ضربه شلاق مجازات تعیین کرد.

خواهرم می‌گفت در بیمارستانی که کار میکرد مقنعه آوردند و بین پرستاران توزیع کردند و گفتند اگر مقنعه سر نکنید حکم اخراج و یا تعلیق کاری می‌گیرید. کلاه پرستاری را گرفتند و روسری سر پرستاران کردند. در بسیاری از محل های کار در مقابل در ورودی مامورین را می‌دید که از ورود زنان بی حجاب جلوگیری میکردند. اگر در خیابان حجاب مناسب نبود و موهابیت زیاد دیده می‌شد ماموران می‌آمدند و با توهین و کتک روسری ات را پایین می‌کشیدند که موهابیت دیده نشود. پسر سه ساله دوستم بقدری از ماموران می‌ترسید که به محض دیدن ماموران وقتی در بغل مادرش بود روسری مادرش را پایین می‌کشید و می‌لرزید برای اینکه یکبار شاهد دعوی مادرش با ماموران بود. حتی یک بچه کوچک باید با ترس زندگی میکرد.

در این میان موضع گیری نیروهای سیاسی مختلف هم جالب است که چطور افکار عقب مانده و یا نشات گرفته از اسلام را به نفع حجاب اجباری به کار می‌گرفتند. می‌گفتند "حجاب و مساله زن فرعی است"، "الان وقت مقابله با ضد انقلاب است" یا "حجاب نماد مبارزه با امپریالیسم است." این موضع تودهایها و اکثریتی‌ها و روشنفکران شرق زده ال احمدی بود. کسانی مثل سیمین دانشور در مقاله ای در کیهان "حجاب را مسئله فرعی دانسته و از هر دو گروه طرفداران و مخالفان حجاب خواسته بود که بهانه به دست ضدانقلاب ندهند و به مسائل مهمتر بپردازند." گویی این خود جمهوری اسلامی نبود که در راس ضد انقلاب قرار داشت و کمربه سرکوب خونین انقلاب بسته بود.

حجاب و عقب راندن همان درجه آزادی زنان کار ساده ای نبود.

مقاومت در همه جا شروع شده بود همه از اجرای این حکم امتناع میکردند. در مدرسه، دانشگاه، خیابان و محل کار. فکر میکردند میتوانند فوراً حجاب را تحمیل کنند اما ۵ سال طول کشید که توانستند قانون حجاب اجباری را در مجلسشان تصویب کنند، آنهم با سرکوب در خیابانها و ادارات. جات. با اسید و پوز و زندان و کتک زدن. اما روشن بود که خمینی و حکومتش قصد داشتند در اولین فرصتی که بتوانند حجاب را اجباری کنند.

۱۶ تیرماه ۵۹ شورای انقلاب به ریاست بنی صدر دستوری به ادارات داد که «خانم‌ها بدون پوشش اسلامی حق ورود به ادارات را ندارند.» بلافاصله بعد از آن حقوق و مزایای کارمندان زنی که بی حجاب در محل کار حاضر میشدند قطع شد و بسیاری از زنان کارشان را از دست دادند. اما هنوز در خیابان‌های شهر حجاب اجباری نشده بود. ولی تبلیغات شنیع علیه زنان در رادیو و تلویزیون و مساجد و نماز جمعه‌ها جریان داشت. مثلاً ۱۳ خرداد ۶۰ دادستان انقلاب به زنان اخطار تندی داد و بی حجابی را خیانت به انقلاب و شهدا اعلام کرد.

جنگ که از سال ۵۹ شروع شده بود فضا را نظامی کرده بود و بعد سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی از سال ۶۰، فشار را بر زنان بیشتر کرد.

در رمضان سال ۶۰ به اماکن عمومی دستور دادند که تابلویی در معرض دید مشتریان خود قرار دهند با این جمله: «به دستور دادگاه مبارزه با منکرات از پذیرفتن میهمانان و مشتریانی که رعایت ظواهر اسلامی را نمی‌کنند معذوریم.» یعنی بدون حجاب نمی‌توانستی وارد مغازه‌ها و رستورانها شوی.

بالاخره در مرداد ۱۳۶۲ بود که

بدون سرکوب و زندان و تیغ و اسید و سنگسار نمیشد حجاب را تحمیل کرد.

دو هفته پس از روز کار آمدن جمهوری اسلامی یعنی اوایل اسفند ۵۷ خمینی خواهان حجاب اجباری شد و دستور داد که هر بخشی از قانون حمایت خانواده با اسلام مغایرت دارد لغو شود. البته قانون حمایت خانواده در سال ۵۳ در زمان شاه تصویب شده بود و حتی در این قانون هم مطلقاً صحبتی از حقوق برابر برای زن و مرد وجود نداشت. در نقاط مختلف تهران بلافاصله زنان شروع به اعتراض کردند در اولین واکنش به این حکم بزرگترین تظاهرات ۸ مارس در تهران ۱۷ اسفند سال ۱۳۵۷ با شرکت دهها هزار نفر و با پرچم نه به حجاب اجباری به راه افتاد. حدود ۱۵ هزار زن از دانشکده فنی تهران دست به راهپیمایی بطرف نخست وزیر زدند و بسیاری از مردان نیز آنها را همراهی میکردند. شعارها از جمله این بود: "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم." در اکثر شهرهای بزرگ از جمله کرمانشاه و بندرعباس و سنندج و ارومیه و اصفهان هم تظاهراتهایی انجام شد. در برخی ادارات و بیمارستان‌ها زنان دست از کار کشیدند. در مدارس دخترانه اعتراضات زیادی صورت گرفت. بحث درمورد حجاب در سراسر کشور جریان داشت.

مقامات دولت و تعدادی از آیت الله‌ها شروع به عقب نشینی کردند و گفتند منظورمان "اجبار نیست برای خود زنان خوب است و غیره". روزنامه‌ها با تیتر درشت در صفحه اول نوشتند "حجاب اجباری در کار نیست." ابعاد اعتراض چنان زیاد بود که خمینی تا یکسال و نیم بعد یعنی تا تیرماه ۵۹ حفاق گرفت و چیزی راجع به حجاب نگفت. حتی دفتر خمینی اطلاعیه داد که با مزاحمین بانوان بشدت برخورد خواهد شد. در مقابل چنین جامعه ای کار جمهوری اسلامی برای تحمیل

من می‌خواهم راه ۳۹ ساله ای را که جنبش علیه حجاب طی کرد و اکنون به دختران خیابان انقلاب رسیده است را کمی باز کنم. من متولد ۱۳۳۵ هستم از وقتی که به خاطر میاورم در شهرستانی که بودیم و بعدها در تهران حجاب در میان نسل جوان جایگاه چندانی نداشت و عمدتاً نسل ماقبل ما جاری بودند. جامعه ایران اسلامی نبود. جامعه نسبتاً مدرنی بود. در تهران و شهرهای بزرگ حجاب بتدریج داشت ور می‌افتاد. جوانانی مثل من مد لباس اروپایی را دنبال میکردند و مینی ژوپ می پوشید ما جوانان در جمع های مختلط و در دیسکو می رقصیدیم و آخرین موزیک های غربی را می شنیدیم. آرایش میکردیم و آن طور که دلمان می‌خواست لباس می پوشیدیم. کارمندان ادارات و دانش آموزان و دانشجویان دختر اکثراً بی حجاب بودند. اگر جوانی حجاب داشت عقب مانده محسوب میشد و از جمع ایزوله می‌شد.

وقتی انقلاب شد برای هیچ‌کس قابل تصور نبود که ممکن است روزی مجبور شویم حجاب سر کنیم. آن روز را به خاطر دارم، برایم تماماً یک شوک بود. حجاب فقط یک مساله سیاسی علیه جامعه نبود. یک شوک شخصی هم بود. یک تعرض به همه عواطف و احساسات و حریم شخصی ات هم بود. و نه فقط من که میلیون ها زن دچار شوک شده بودند. جمهوری اسلامی وصله ناجوری برای این جامعه بود. جامعه نمی‌خواست این حکومت و مقررات اسلامی اش را بپذیرد. جمهوری اسلامی حکومتی ضد جامعه و ضد ارزش ها و فرهنگی بود که چند دهه در تار و پود جامعه نقش بسته بود. برای ما که با هزار آرزو برای ساختن یک جامعه آزاد و انسانی به صحنه انقلاب کشیده شده بودیم، احساس میکردیم می‌خواهند آزادیمان را هم از ما بگیرند. روشن است که

جنبش کارگری با قدرت به پیش میرود! کارگران نفت فراخوان تجمع دادند!

ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنها خواستار امنیت شغلی و بازگشت همکاران اخراجی به کار شدند. بنا بر خبرها در روزهای آغاز سال جدید مدیریت پالایشگاه گاز ایلام ۱۱ کارگر معترض را اخراج کرد.

تجمع ۳۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه کیان تایر حدود ۳۰۰ نفر از کارگران بازنشسته کارخانه کیان تایر بنا بر قراری از قبل اعلام شده در اعتراض به پرداخت نشدن بخشی از سنوات ایام خدمت خود مقابل کارخانه تجمع کردند.

تجمع معلمان جزیره خارك گروهی از معلمان و فرهنگیان جزیره خارك در اعتراض به قطع برخی خدمات نظیر تردد رایگان به بوشهر مقابل ساختمان آموزش و پرورش تجمع کردند.

جنبش علیه بیکاری گسترده تر میشود:

جوانان بیکار متقاضی کار در عسلویه دست به تجمع زدند که به درگیری با مسئولین در اداره اشتغال منطقه ویژه شهرستان عسلویه منجر شد.

حزب حزب کمونیست کارگری، کارگران و مردم آزاده را، زنان و جوانان را، کارگرن مراکز اعتصابی و معلمان و بازنشستگان را فرامیخواند که همراه با خانواده هایشان خود را برای تجمعات و راهپیمایی های بزرگ اول مه آماده کنند و مردم شهر را به صفوف خود فراخوانند. اول مه باید در صفوف میلیونی در سراسر کشور به میدان بیاییم و جواب دندان شکنی به حکومت اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری شان بدهیم.

پیش بسوی برگزاری تجمعات روز جهانی کارگر در سراسر کشور پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات و تجمعات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ فروردین ۱۳۹۷، ۱۰
آوریل ۲۰۱۸

تجمع جمعی از پرسنل پالایشگاه گاز ایلام
جمعی از پرسنل پالایشگاه گاز

پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق عقب افتاده دست از کار کشیده و در مقابل شهرداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۹ فروردین
تجمع بازنشستگان صنعت فولاد و معدن تهران و کرج در شروع سال جدید

بازنشستگان صنعت فولاد و معدن تهران، کرج و حومه در ادامه اعتراضاتشان در سال گذشته و بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به محرومیت از بیمه درمانی و هزینه های سنگین آن که بخش بزرگی از حقوقهایشان را می بلعد، در مقابل ساختمان درمان فولاد واقع در تهران تجمع کردند.

درمان رایگان یک خواست مهم فراخوانهای اعتراضی بازنشستگان است. این کارگران قبلا با شعارهایی چون خط فقر ۵ میلیون، حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، اعتراض خود را علیه فقر، تبعیض و نابرابری اعلام داشتند.

تجمع کارگران اخراجی مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال

۵۵ کارگر اخراجی مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال در اعتراض به اخراجها و برای بازگشت به کار خود برای دومین بار در سال جدید مقابل فرمانداری میانرود تجمع کردند.

تجمع کارگران اخراجی کارخانه خوراک دام و شرکت ماهی کارون ۱۳۰ کارگر اخراجی کارخانه خوراک دام کارون و شرکت ماهی کارون، دست به تجمع در مقابل فرمانداری شوشتر زدند. بنا بر خبرها ۱۱ روز است که ۵۲ نفر از کارگران خوراک دام کارون شوشتر و ۸۰ نفر از کارگران شرکت ماهی کارون از کار بیکار شده اند. کارگران این دو شرکت شش ماه است دستمزد نگرفته اند.

۲۱ فروردین
تجمع جمعی از پرسنل پالایشگاه گاز ایلام
جمعی از پرسنل پالایشگاه گاز

همین رابطه در اواخر اسفند ۹۶ تجمع داشتند.

اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری حمیدیه

کارگران شهرداری حمیدیه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، دست از کار کشیده و مقابل شهرداری این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند.

تجمع کارگران روغن نباتی غنچه

کارگران روغن نباتی غنچه در اعتراض به اخراج ها در مقابل فرمانداری میانرود دست به تجمع اعتراضی زدند.

ادامه اعتراضات کارگران فولاد ارومیه

کارگران کارخانه فولاد ارومیه در ادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم پرداخت ۱۱ ماه دستمزد برای بار دیگر مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. استاندار آذربایجان غربی مجبور به حضور در میان کارگران شد.

دومین تجمع اعتراضی کارگران اخراجی کارخانه مفره سازی ساوه

بیش از ۱۳۰ کارگر اخراجی کارخانه مفره سازی ساوه که بعد از پایان تعطیلات نوروزی از کار بیکار شده اند، برای دومین بار در سال جدید در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل فرمانداری دست به تجمع مقابل فرمانداری ساوه زدند. کارفرما اعلام کرده است که کارگران اخراجی، برای دریافت بیمه بیکاری به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی مراجعه کنند. اما کارگران خواستار بازگشت به کار خود هستند.

تجمع کارگران شرکت چوب فریم سنگه دودانگه

کارگران شرکت چوب فریم سنگه دودانگه، در استان مازندران، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات حقوقی چند ماهه خود اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری حمیدیه
کارگران شهرداری حمیدیه در استان خوزستان در اعتراض به

اخباری از اعتراضات کارگری در سه روز گذشته:

کارکنان رسمی صنعت نفت فراخوان تجمع میدهند:

در اعتراض به عدم اجرای قانون ماده ۱۰ کارکنان رسمی صنعت نفت فراخوان تجمع در روز ۲ اردیبهشت ساعت ۱۰ مقابل ساختمان اصلی وزارت نفت دادند.

۱۸ فروردین

کارگران نیشکر هفت تپه موفق به آزاد کردن تمامی همکاران بازداشتی خود شدند!

در جریان اعتراضات دور جدید کارگران نیشکر هفت تپه که از هفتم فروردین شروع شد، ۱۰ نفر از کارگران بازداشت شدند. کارگران

ایستادند و اعلام کردند تا وقتی همکاران آنان آزاد نشوند، طرح واگذاری بخشی از شرکت به پیمانکاری و اخراج کارگران قرارداد موقت در اردیبهشت ماه لغو نشود

و طلبهایشان پرداخت نگردد، به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

زیر فشار این اعتراضات، ۹ نفر از کارگران در ۱۵ فروردین با قید وثیقه آزاد شدند و امروز ۱۸ فروردین

حبیب چنانی آخرین نفر از کارگران بازداشتی آزاد شد. اما کارگرانی که

بازداشت شده بودند و همچنین اسماعیل بخشی از نمایندگان

کارگران نیشکر هفت تپه ممنوع

الورود به کارخانه هستند. یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه رفع فوری این ممنوعیت و بازگشت همکارانشان به سر کار است.

تجمع کارگران نساجی در خامنه آذربایجان

کارگران نساجی خامنه جهت دریافت ۳۲ ماه دستمزد پرداخت نشده روز ۱۸ فروردین مقابل نساجی خامنه در آذربایجان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار تسویه حساب شدند.

تجمع کارگران متالوژی پودر ایران در قزوین

کارگران متالوژی پودر ایران بخاطر عدم دریافت ۴ ماه حقوق و سنوات خود مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. این کارگران قبلا نیز در

خشکه مقدس ها کرد. او صریحا گفت «خشکه مقدسها سخت گیری هایی در مسئله حجاب انجام دادند که برای جامعه مخصوصاً در زنها حالت فرار درست کرد.»

علیرغم همه فشارها زنان از هر فرصتی برای مقاومت استفاده میکردند. حکومت که موفق به تحمیل کامل حجاب نشده بود در دوره احمدی نژاد در سالهای ۱۳۸۴ و ۸۷ طرح هایی را که محورش رعایت حجاب بود تصویب کرد و بودجه و تبلیغات و نیروی زیادی به آن اختصاص داده شد.

در هر مدرسه ای يك آخوند گذاشتند. نیروهایی را روانه پارك ها

کردند. در هر چهارراه و خیابانی نیروهای گشت مستقر کردند. طبق آمارهای مختلفی که حکومت منتشر کرد چیزی بین ۲ تا ۳ میلیون نفر سالانه بخاطر بد حجابی تذکر گرفتند و یا جریمه شدند و یا زندانی شدند. خود این به تنهایی ابعاد جنگ با زنان و مقاومت زنان را نشان میدهد.

در سال ۹۴ مجلس شورای اسلامی طی گزارشی اعتراف کرد که طرح امنیت اجتماعی ناموفق بوده است.

صحبتم را با اشاره کوتاهی به دختران خیابان انقلاب تمام

میکنم. امیدوارم تصویری که از تحمیل حجاب و مقابله با حجاب

دادم کم کند که اهمیت کار دختران خیابان انقلاب بهتر فهمیده

شود. آنها امروز در راس مبارزه ای قرار گرفته اند که ۳۹ سال است جریان دارد. آنها این مبارزه را يك گام مهم به جلو بردند. آنها به سهم خود ضربه موثری به حکومت و

فرهنگ اسلامی و ایدئولوژی حکومت و به ملی اسلامی ها و کل

جریانات ریز و درشت اسلامی زدند. آنها عکس العمل جامعه در

مقابل جمهوری اسلامی و طالبان و داعش و همه نیروهای اسلامی

هستند. منصور حکمت حق داشت از انقلاب زنانه در ایران صحبت

کرد. دختران خیابان انقلاب بیشتر باید تکثیر شوند. جمهوری اسلامی

با حجاب آمد و بدون حجاب میرود.

در دفاع از گلرخ ایرایی

گفتگو با سیامک بهاری



آیین‌نامه و قوانین قضایی مبنی بر گذراندن محکومیت در زندان محل سکونت و عدم اجرای اصل تفکیک جرایم، با حکم حاج مرادی، دادیار ناظر زندان اوین احضار شدند. آتنا دائمی به روشنی این موضوع را پس از اعتصاب غذا توضیح داده است: ابتدا به آنها گفته می‌شود جهت ملاقات بازجوها نیم ساعت به اجرای احکام اعزام خواهند شد. آن دو در اعتراض اعلام کردند، بازجو تا مرحله اجرای دادگاه بدوی حق دخالت در پرونده را دارد. سپس آنها را با تهدید و کتک‌کاری به بند ۴ بازداشتگاه ثارالله می‌برند. پس از ۴ ساعت پنهان کاری و دروغ بافی با ایراد ضرب و شتم توسط یوسف مردی رئیس حفاظت زندان اوین به زندان قرچک ورامین تبعید می‌شوند. از اولین ساعات این رفتار انتقام‌جویانه، گلرخ ایرایی و آتنا دائمی به این حکم اعتراض می‌کنند. محل اجرای حکم آنان بند زنان زندان اوین است و نباید تحت هیچ عنوان و بدون هیچ دلیل و توضیحی آنان را بدون اصل تفکیک جرایم و محل اجرای حکم به زندان دیگری تبعید کرد. آنها را مخفیانه بدون اینکه ابتدایی ترین وسایل شخصی خود را همراه داشته باشند در بدترین شرایط و رفتار شدت غیر انسانی در حالیکه به دلیل کت‌کاری صورت آتنا دچار ضرب خوردگی گردیده بود و یکی از عصب‌های صورتش شدت آسیب دیده و بخشی از صورتش از حرکت باز مانده بود، به قرنطینه زندان قرچک ورامین می‌برند. اما به سرعت خبر حضور این دو در زندان و بیرون زندان پخش می‌شود.

گلرخ و آتنا مداوماً اعتراض می‌کنند. اما گوش شنوایی پیدا نمی‌شود. در عوض مسئولین زندان اوین اعلام می‌کنند زندانیان بند زنان

گلرخ بلافاصله پس از آزادی از زندان با جسارت و شجاعت در اعتراض به رفتارهای ضد انسانی قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی با زندانیان سیاسی، در باره برخوردها و شکنجه‌ها، محروم کردن زندانیان سیاسی از دسترسی به دارو درمان، وضعیت وخیم بهداشتی در زندانها با رسانای کردن حقایق که جمهوری اسلامی مداوماً از جامعه مخفی می‌کند، دست به افشاگری زد. او در علنی کردن جنایات بی پایان جمهوری اسلامی کوتاه نیامد. به همین دلیل مجدداً از سوی ماموران امنیتی مورد تهدید قرار گرفت. حکم جلب او به زندان را ماموران امنیتی با گرو گرفتن گوشی تلفن نوید کامرانی یکی از دوستان و هم‌پرونده‌های او به اطلاعش رساندند. گلرخ به دلیل بیماری و ادامه درمان حاضر نشد خودش به زندان باز گردد. مأموران امنیتی با یورش و دستگیری مجددش با ضرب و شتم و توهین بدون آنکه حکم احضاری از دادگاه دریافت کرده باشد، صرفاً با تصمیم مقامات امنیتی او را به زندان اوین بازگرداند.

انترناسیونال: گلرخ ایرایی و آتنا دائمی چرا اقدام به اعتصاب غذا کردند؟

سیامک بهاری: مقامات قضایی و امنیتی در پی انتقام‌گیری برای زهر چشم گرفتن از آنها و سایر زندانیان سیاسی پس از اعتراضات سراسری در بیش از ۱۰۰ شهر در نهمین ماه ۱۳۹۶ گلرخ ایرایی و آتنا دائمی (فعال حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام) که به اتهام توزیع شب‌نامه در محکومیت مجازات اعدام به ۷ سال زندان محکوم شده بود و دوران محکومیت خود را در اوین می‌گذراند با پرونده‌سازی و شکایت توسط "یوسف مردی" رییس حفاظت اطلاعات زندان اوین، چهارم‌حالی رئیس زندان اوین و عباس خانی رئیس بهادری زندان، بدون حکم قضایی، حتی برخلاف

وکیل مدافع و بدون اینکه حتی وکیل مدافع آنها اجازه دسترسی به کیفرخواست دادستان را داشته باشد، به اصطلاح محاکمه شدند. آرش صادقی مجموعاً به ۱۹ سال حبس بابت ۴ فقره اتهام از قبیل اجماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام و اهانت به رهبری محکوم گردید.

گلرخ هم بر همین روال بدون داشتن وکیل مدافع در حالیکه به دلیل عمل جراحی سنگین در بیمارستان بود و توانایی حضور در جلسه دادگاهی‌اش را نداشت، با همان جرم مهندسی شده به جرم سرودن چند شعر و دست‌نوشته‌ها و داستانی در باره سنگسار که هرگز منتشر نشده بود، به ۶ سال حبس محکوم گردید. قاضی صلواتی حتی حاضر نشد به دلیل غیبت موجه متهم، جلسه دادگاه او را به تعویق بیندازد تا او بتواند در غیاب وکیل از خود دفاع کند.

پس از محاکمه و زندانی شدن، بدرفتاری‌های مهندسی شده، شکنجه و آزار و محرومیت‌های سیستماتیک و عامدانه آنها در زندان به اشکال گوناگون ادامه یافت. علیرغم این آرش و گلرخ در زندان نیز ساکت نمانند. با شجاعت و جسارت تحسین برانگیزی با انتشار بیانیه‌ها، نامه‌ها و امضای طومارها در دفاع از خود و سایر زندانیان سیاسی دست به افشاگری زدند.

آرش صادقی در اعتراض به این رفتارهای ضد بشری با خود و همسرش، بمدت ۷۴ روز دست به اعتصاب غذا زد و تا پای مرگ پیش رفت. سهیل عربی دیگر زندانی سیاسی در دفاع از گلرخ و آرش به این اعتصاب غذا پیوست.

در ۱۴ دیماه ۱۳۹۵ در پی این اعتراضات در داخل زندان و فشارهای بین‌المللی و افشاگری دهها نهاد و تشکل مدافع حقوق زندانیان سیاسی در دفاع از این دو زندانی، قوه قضائیه عقب‌نشست و با شرط وثیقه سنگین ۵۰۰ میلیون تومانی به گلرخ ایرایی مرخصی داد.

این تراژدی دردناکی است که تماماً توسط دستگاه امنیتی و قوه قضائیه جمهوری اسلامی به زندانیان سیاسی و طبعاً خانواده‌های نگران آنان و به کل جامعه معترض تحمیل می‌شود. فشار امنیتی و رفتار ضد انسانی، عامدانه و مهندسی شده، بخشی از سیاست هدفمند دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی با هم‌دستی مستقیم قوه قضائیه جمهوری اسلامی در مقابله با استقامت و اعتراض زندانیان سیاسی است.

جان گلرخ و دهها زندانی سیاسی دیگر که در چنین شرایط غیر انسانی در زندانها دست به مقاومت می‌زنند در خطر جدی است.

انترناسیونال: چرا گلرخ در زندان است؟

سیامک بهاری: اجازه بدهید برای روشن شدن ذهن خوانندگان نشریه خیلی فشرده و مختصر به سابقه ماجرا اشاره کنم. گلرخ ایراهیمی ایرایی و همسرش آرش صادقی به بهانه‌های واهی با پاپوش دوزی و پرونده سازی دستگاه‌های امنیتی دستگیر شدند. در دادگاه‌های فرمایشی و با سناریوهای نخ‌نمای همیشگی دستگاه قضائیه به اصطلاح محاکمه و به حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند.

در شهریور ۱۳۹۳ گلرخ و آرش صادقی به همراه دو تن دیگر از هم‌پرونده‌های آنها با ضرب و شتم دستگیر شدند. ماموران امنیتی نیمه شب به خانه آرش صادقی یورش بردند. درب خانه را شکستند. فرحناز درگاهی، مادر آرش در اثر ضربه یکی از مأموران امنیتی که با شکستن درب خانه وارد شده بود عملاً ضربه مغزی شد و پس از گذشت مدتی در بیمارستان به دلیل همان ضربه‌هایی که به سرش وارد شده بود، جان باخت.

آرش و گلرخ در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر به ریاست قاضی صلواتی، در يك محاکمه نمایشی بدون حضور

انترناسیونال: بیش از دو ماه از اعتصاب غذای زندانی سیاسی گلرخ ایراهیمی ایرایی در زندان قرچک ورامین می‌گذرد. این وضعیت بشدت نگران کننده است. آخرین خبر چیست؟

سیامک بهاری: اعتصاب غذای گلرخ به حق به يك موضوع نگران کننده سیاسی-اجتماعی بدل شده است. بیش از دو ماه اعتصاب غذا در شرایط غیر انسانی و فشارهای امنیتی و توهین و تهدیدهای آشکار و پنهان نه تنها به خود او، بلکه به خانواده و نزدیکانش، گلرخ را در وضعیت اورژانسی و بشدت نگران کننده‌ای قرار داده است. طی این مدت او بارها دچار افت فشار خون و مشکلات تنفسی شده است.

در ۱۴ فروردین در شصت‌مین روز اعتصاب غذا، در حالیکه وضع جسمی او رو به وخامت بیشتری گذاشته بود بر اثر فشارهای جسمی و عصبی ناشی از این اعتصاب طولانی مدت، دچار تشنج گردید و به اغما فرو رفت. پزشکان زندان قرچک يك ماه پس از آغاز اعتصاب غذای او اعلام کرده بودند احتمالاً دچار سکنه خفیف شده است.

آتنا دائمی دیگر زندانی سیاسی که همراه گلرخ دست به اعتصاب غذا زده بود، در ملاقاتی با خانواده‌اش آن روز را این‌گونه توصیف کرده است: 'گلرخ وقتی به سمت در خروجی اتاق می‌رفت، دست و پاهایش کج شده و با صورت به زمین خورد و دندان‌هایش روی هم قفل شد و...'

مسئولین زندان او را مخفیانه به بیمارستان نامعلومی منتقل کردند. تا چند روز حتی خانواده نگران گلرخ نمی‌دانستند دخترشان کجاست و در چه وضعیتی بسر می‌برد. عاقبت به پدر گلرخ تحت تدابیر شدید امنیتی اجازه ملاقات کوتاهی داده شد. در این دیدار، گلرخ اعلام کرد که کماکان دست از اعتصاب غذا برنمی‌دارد و همچنان بر خواسته‌های اولیه‌اش پافشاری خواهد کرد!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

جامعه علیه قوانین قصاص و سنگسار و اعدام، مبارزه درخشان زنان علیه قوانین اسلامی و حجاب، رشد اعتصابات کارگری، اعتراضات گسترده مردم در ۱۰۰ شهر در دیماه گذشته و فاکتور تشنگی و فروپاشی ساختارهای قدرت جمهوری اسلامی بکلی تناسب قوا را به نفع مردم تغییر داده است.

بدیهی است که جمهوری اسلامی برای سرپا نگهداشتن خود ابزاری جز خشونت بیشتر ندارد. اما مردمی که عزم جزم کرده‌اند جمهوری اسلامی را به زیر بکشند، آزادی زندانیان سیاسی را به امر فوری خود بدل می‌کنند. همین روحیه را در تجمع اعتراضی خانواده‌ها در مقابل زندان اوین و دیگر زندانها مشاهده می‌کنید. نامه حمایتی و پشتیبانی بیش از هفتصد نفر از چهره‌های شناخته شده سیاسی و اجتماعی و فشار وسیع بین‌المللی برای آزادی گلرخ و آتنا، سهیل عربی و آرش صادقی، نشان می‌دهد آزادی زندانیان سیاسی یک هدف مهم مبارزاتی جامعه است. این جنگ نابرابر تا آزادی کلیه زندانیان سیاسی بی وقفه ادامه خواهد داشت.

دفاع از زندانیان سیاسی و خانواده آنان در صدر ضروریات فوری مبارزاتی جامعه قرار دارد. باید با سازمان دادن اعتراضات، تجمع مقابل زندانها، برپا کردن تجمعات اعتراضی مداوم دفاع و پشتیبانی از زندانیان سیاسی را وسعت داد. یک وجه مهم و بسیار با اهمیت این کارزار در سطح بین‌المللی، بسیج افکار عمومی و مراجعه به وجدانهای بیدار جهان متمدن است علیه قوانین و اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی است. رسانهای کردن و کمپین‌های دفاع از زندانیان سیاسی و استفاده از مدیای اجتماعی است.

شصتمین روز اعتصاب غذا در حالت اغما به بیمارستان نامعلومی منتقل می‌شود.

انترناسیونال: برای دفاع از گلرخ و همه زندانیان سیاسی که چنین جانشان در خطر است چه باید کرد؟

سیامک بهاری: جمهوری اسلامی کارنامه‌های خونین و مملو از جنایت در شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی، تحمیل مرگ تدریجی آنها، محروم کردن از دارو و درمان و انواع و اقسام انتقام‌گیری از یورش به بندهای زندانیان سیاسی، تا ضرب و شتم و شکنجه و آزار و اذیت خانواده‌های زندانیان سیاسی دارد. از مخوفترین زندانها از علنی و آشکار تا خانه‌های امن و سلولهای بازجویی و انواع وسایل و شگردهای ضد بشری اعتراف‌گیری و هزاران فقره قتل مخالفین سیاسی بخشی از نکت حکومت اسلامی است. در مقابل این توحش اسلامی، هرگز مبارزه و اعتراض پایان نگرفت. مردم مرعوب نشدند و مبارزه حتی در پشت دیوارهای قطور زندانها هم با جسارت و شجاعت و شهامت ادامه یافت! بسیاری از زندانیان سیاسی بر اثر مقاومت دلیرانه خود و دفاع جانانه مردم از آنها به چهره‌های محبوب و شناخته شده در سطح بین‌المللی بدل شده‌اند. از زنده یاد شاهرخ زمانی، تا جعفر عظیمزاده، بهنام ابراهیمزاده، اسماعیل عبدی، سهیل عربی، آرش صادقی، سعید شیرزاد و صدها زندانی سیاسی دیگر ناچار شدند در اعتراض و مقابله با توحش دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه دست به اعتصاب غذا بزنند. واکنش انسانی جامعه طبعا همیشه خواستار پایان دادن به اعتصاب غذای زندانیان است. از دید جامعه، جمهوری اسلامی مسئول تمامی عواقب زیانبار جسمی و روانی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی است.

سرکوب خشن آزادی بیان و حق تشکل با دستگیری و شکنجه و زندان و خون پاشیدن به جامعه بخشی از سیاست شناخته شده جمهوری اسلامی است. مشخصا ما در دوره تعرض جسورانه جامعه علیه حکومت اسلامی و بویژه دستگاه خونریز قوه قضائیه قرار داریم. مبارزه وسیع

اوین در خواست انتقال داشتند. اما مسئول بند زنان رسماً در حضور حاج مرادی دادیار ناظر زندان اوین می‌گوید ابداً شکایتی از آنها نکرده و پرسنل هم تأیید می‌کنند.

خانواده‌های نگران این دو در به در زندان اوین و قرچک می‌شوند. پاسخ خانواده را با توهین و بازداشت، کتک‌کاری و باتوم و شوکر برقی می‌هند. خانواده‌ها را تحت فشار می‌گذارند که گلرخ و آتنا را وادار کنند تعهد بدهند که دیگر از داخل زندان نامه و بیانیه نخواهند نوشت و فعالیتی نخواهند کرد.

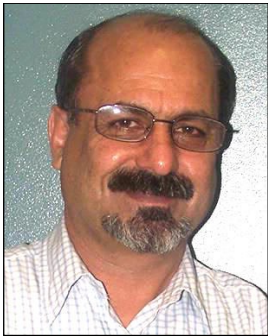
گلرخ و آتنا ۱۰ روز مهلت می‌دهند و اعلام می‌کنند اگر به اوین بازگردانده نشوند اعتصاب غذا خواهند کرد. از روز شنبه ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۶ اعتصاب غذای اعتراضی خود را شروع می‌کنند. به‌صورت علنی در همه جا اعلام می‌کنند "نه اهل خود کشی هستند و نه میلی به مردن دارند!"

نتیجه رفتار ضد بشری جمهوری اسلامی با این دو زندانی نمونه‌ای از فضای حاکم بر زندانها و محاکم قضایی کشور، نمونه بارز پاپوش دوزی و پرونده سازی توسط جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی است.

در پی اعلام اعتصاب غذا توسط گلرخ و آتنا، سهیل عربی و آرش صادقی نیز در حمایت از آنها به این اعتصاب می‌پیوندند. بیش از هفتصد نفر از چهره‌های شناخته شده از زندانیان سیاسی و فعالین اجتماعی، ده‌ها تشکل و نهاد معتبر مدافع زندانیان سیاسی با راه‌اندازی کمپین‌ها، طوفان تویتری و ارسال نامه‌های اعتراضی ضمن محکومیت جمهوری اسلامی از آن دو می‌خواهند به اعتصاب غذا پایان دهند.

سرانجام در ۲۶ بهمن ۱۳۹۶ آتنا دانی که به سبب بیماری و عمل جراحی کیسه صفرا به دلیل اعتصاب غذاهای گذشته در وضعیت وخیمی قرار داشت دست از اعتصاب غذا برمی‌دارد. اما گلرخ همچنان ادامه می‌دهد و علیرغم وخامت وضعیت جسمی‌اش بجز قند، نمک و آب چیزی نخواهد خورد! به گلرخ بارها به دلیل وخامت وضعیت جسمی‌اش سرورم و با از دست دادن ۲۲ کیلو از وزن بدنش در

[fb.com/
wpiran/](http://fb.com/wpiran/)



اعتراضات در خوزستان و تحرک ناسیونالیسم عرب!

گفتگوی نشریه سهند با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

اما به نظر من بخش مهمی از معترضین با این شعار به تبعیض سیستماتیک و اکثرت نشان میدهند علیه شان هم در دوران سلطنت پهلوی و هم در جمهوری اسلامی اعمال شده است.

به تحقیر و توهین و تبعیض تاریخی و سیستماتیک ضد عربی توسط ناسیونالیسم ایرانی نگاه کنید. به ادبیات فاشیستی ضد عربی این ناسیونالیسم نگاه کنید. تقریباً هیچ صفت کثیفی نیست که این ناسیونالیسم علیه این مردم پرتاب نکرده باشد. یادتان هست وقتی به بهانه آزار جنسی دو جوان ایرانی در جریان سفر حج توسط شرطه های عربستان، وزارت اطلاعات يك نمایش اسلامی - ناسیونالیستی در مقابل سفارت عربستان راه انداخت و چه شعارهایی دادند؟ یادتان هست در آن نمایش با سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" و نعره "حیدر حیدر" در باره سربرین عربها در کنار قبر کورش رجزخوانی کردند؟

در متن چنین زمینه تاریخی و سیاسی تعجب بر انگیز نیست که به بهانه يك برنامه مضحک نژادپرستانه، برنامه ای که يك جوری موجودیت يك جمعیت بزرگی از شهروندان جامعه را انکار میکند، مردم تحت ستم به خیابان میریزند و به حکومت فاشیست اسلامی تبعیضگر اعتراض میکنند و در این اعتراضشان به شعاری مثل "من عرب هستم" هم متوسل میشوند.

با همه اینها فعالین پیشرو اعتراضات باید تلاش کنند از هر شعاری که دست جریانات ناسیونالیستی را برای استفاده سیاسی باز میکند اجتناب شود و به جای خواسته های واقعی مردم که در بالا به آنها اشاره کردم در قالب شعارهای روشن اعلام شود. نباید گذاشت تبعیض بر مبنای قومیت

دانست و از آن دفاع نکرد؟
محسن ابراهیمی: "من عرب هستم" با هر هدفی گفته شود شعار سیاسی درستی نیست و باید از آن اجتناب کرد. این شعار یکجوری افتادن به همان دامی است که جمهوری اسلامی پهن کرده است و ناسیونالیسم قوم پرست به پهن کردن این دام کمک میکند. این شعار ابتدا مطالبات برحق مردم تحت ستم در خوزستان را منعکس نمیکند.

اما به نظرم به این شعار باید از جنبه های مختلفی نگاه کرد. از نقطه نظر جمهوری اسلامی راه افتادن چنین شعاری در متن يك اعتراض علیه يك ارگان حکومتی بسیار خوشحال کننده است. آنهم در نقطه ای از ایران که شاهد اعتراضات بسیار گسترده و پیشرو کارگری است. جایی که کارگران پتروشیمی ها، صنایع فولاد و نیشکر نبردی شجاعانه علیه سرمایه داران حاکم و حکومتشان را پیش میبرند. جایی که اتفاقاً کارفرماها و حامیان حکومتیشان خیلی تلاش کردند میان کارگران بومی و غیربومی تفرقه بیندازند و موفق نشدند.

از نقطه نظر ناسیونالیسم عرب این شعار بسیار جذاب است. چرا؟ چون مبنایش تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت است. و تقسیم بندی انسانها بر اساس قومیت يك رکن ایدئولوژیک و هویتی برای هر جریان ناسیونالیستی است. اصلاً دکان این جریانات ارتجاعی زمانی رونق میگیرد که در خود آگاهی اجتماعی و سیاسی اکثریت مردم تقسیم بندی قومی و ملی جای تقسیم بندی طبقاتی، جای هویت طبقاتی و جای هویت انسانی را بگیرد.

در میان مردم معترض چطور؟ به نظرم برای خیلی از معترضین حتی این شعار قالبی برای اعتراض بر تبعیض و ستم تاریخی علیه خودشان است. منظورم این نیست که هیچ بخشی از آن مردمی که این شعار را دادند متاثر از رسوبات و تبلیغات ناسیونالیستی نیستند.

عروسکها در نقشه ایران، نفرت چهار دهه ای شان از حکومتی را ابراز میکنند که زندگی میلیونها انسان در این نقشه را تباہ کره است. اعتراض در خوزستان انفجار بشکه باروت خشم و نفرت تلنبار شده در میان مردم است که منتظر يك جرقه بود. نمایش مضحک صدا و سیما با عروسکها نقش این جرقه را بازی کرد.

سهند: وقتی می بینیم به بهانه قرار دادن عروسکی با لباس بختیاری در منطقه خوزستان مردم در مقیاس هزاران نفره به خیابان میایند، آیا این به اندازه کافی گواه این نیست که اعتراضات مردم رنگ و بوی قومی دارد؟

محسن ابراهیمی: در شرایطی تبلیغات فاشیستی و ناسیونالیستی ممکن است مردم تحت ستم را دنبال خود بکشند و به نیروی يك جنبش ارتجاعی تبدیل کند. تاریخ تحولات سیاسی نمونه های زیادی برای اثبات این واقعیت دارد. در اتفاقات اخیر خوزستان حتما عده ای هم به خاطر تبعیضهای حکومتی بر مبنای قومیت و ملیت و هم به خاطر فضای تبلیغاتی قومپرستانه عرب میتوانند اسیر تلقیات قومپرستانه شده باشند. اما در این تردیدی ندارم که اکثریت مردمی که در خوزستان به خیابان آمده اند دارند علیه يك حکومت تبعیض گر اسلامی، علیه فقر و محرومیت و ابعاد وسیع بیکاری، علیه دستمزدهای دزدیده شده و حقوقهای معوقه، علیه خشک شدن رودخانه ها و تالابها، علیه تخریب و ویران کردن محیط زیست، علیه تحقیر و تبعیض سیستماتیک در مورد زنان، علیه محرومیت از تحصیل به زبان مادری و کلا علیه بی حقوقی مفرطی که جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم تحمیل کرده است اعتراض میکنند.

سهند: در باره شعار "ما همه عرب هستیم" در تظاهرات نظرتان چیست؟ آیا همین شعار کافی نیست که این را یک حرکت ناسیونالیستی

کردن به اعتراضات رادیکال و مدرن و انسانی و برابری طلبانه ای که در قیام دی ۹۶ از جمله در خوزستان اوج گرفت و با اعتراض قدرتمند کارگران نیشکر هفته تپه و کارگران صنایع فولاد ادامه دارد.

جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم عرب تلاش میکنند اعتراض حق طلبانه مردم علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران و اینجا مشخصاً خوزستان را به جنگی میان کرد و ترک و عرب و بلوچ و فارس و غیره و اینجا مشخصاً میان "عربها و فارسها" تبدیل کنند.

هدف جمهوری اسلامی معلوم است. جمهوری اسلامی از کابوس قیام دیمه رها نشده است. قیامی که نمایشی قدرتمند از اعتراضات متحدانه نزدیک ۱۰۰ شهر بود. به هم زدن این اتحاد برای جمهوری اسلامی حیاتی است. خیمه شب بازی شنیع با عروسکها در يك برنامه کودکان میتواند حرکتی آگاهانه در این جهت باشد.

هدف ناسیونالیستها هم روشن است. ناسیونالیستها از هر نوعش همیشه روی تقسیم جامعه به اقوام و ملتها و مرکزیت دادن به این تقسیم بندی حساب میکنند. هر چقدر تعداد بیشتری در جامعه خود را با هویت قومی و ملی تعریف کنند هماقتر ناسیونالیسم احساس قدرت میکنند. به این اعتبار ناسیونالیستها هر اتفاقی را که به این هدف کمک کند روی هوا میقایند. در اتفاقات خوزستان هم ناسیونالیستها همین هدف را دنبال میکنند.

صدا و سیما جمهوری اسلامی آن چیزی را به ناسیونالیسم قوم پرست عرب هدیه کرده است که دنبالش بود. مثل همیشه اینجا هم ارتجاع به ارتجاع خدمت میکنند. ارتجاع اسلامی ارتجاع ناسیونالیستی را تغذیه میکند.

مردم معترض چطور؟ مستقل از شعارهای مختلف در این اعتراض یک چیز روشن است. مردم به بهانه

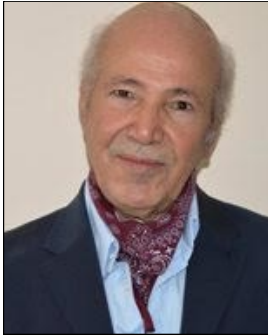
سهند: خوزستان صحنه اعتراضات وسیعی شده است. مشخصاً چه اتفاقی جرقه این اعتراضات را زده است؟

محسن ابراهیمی: شبکه دوم صدا و سیما در جریان يك برنامه کودکان تحت عنوان "کلاه قرمزی" نقشه ایران را نشان میدهد؛ در روی نقشه هر منطقه عروسکی با لباس محلی آن نمایان میشود اما منطقه خوزستان با عروسکی با لباس بختیاری معرفی میشود و این جرقه اعتراضات وسیعی میشود که هنوز هم ادامه دارد. هزاران زن و مرد در این اعتراض شرکت میکنند و طبق معمول با هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت اسلامی مواجه میشوند.

این هم البته یکی از پدیده های جالب توجه در جمهوری اسلامی است که هر از گاهی در برنامه کودکان این یا آن بخش از مردم در ایران را تحقیر میکنند و به تحریکات ناسیونالیستی دست میزنند! سال ۱۳۸۵، در صفحه کودکان روزنامه دولتی ایران مردم آذربایجان را به سوسک تشبیه میکنند. سال ۱۳۹۴ در شبکه دوم صدا و سیما جمهوری اسلامی در برنامه ای خطاب به کودکان به نام هتل فتیله به اطلاع جهانیان میرسانند که ترک زبانها فرق مسواک و فرچه توالت را نمیدانند. و امروز باز هم در برنامه کودکان به تحریک ناسیونالیستی علیه چند میلیون شهروند در جامعه دست میزنند.

سهند: در رسانه های اجتماعی متعلق به دستجات ناسیونالیست عرب روی این میگویند که "عربها" در اعتراض به "گنمان هوقت قومی عربها" به میدان آمده اند؟ در این مورد چه میگوید؟

محسن ابراهیمی: این دقیقاً همان است که جمهوری اسلامی دنبال میکند. اینجا تفسیر و تلاش ناسیونالیستها و خواست و هدف جمهوری اسلامی با هم منطبق شده اند. هر دو يك هدف دارند: خلل وارد



ترک برداشتن دیوار ارتجاع اسلامی

کاظم نیکخواه

میکنند و قانون میگذارند محصول اذهان عقب مانده مردم نیستند. بلکه محصول غیر انسانی بودن نظام سرمایه داری ضد انسانی اند. خمینی و شیخ سلمان و القاعده و داعش را سیستمی به انسانیت تحمیل کرده است که امثال ترامپ و پوتین و ترزا می را در آمریکا و روسیه و انگلیس سرکار میکشد. خلاصی کامل از ناهنجاریهای مذهب و ارتجاع و عقب ماندگی، بدون خلاصی از شر سیستم متکی بر سود و مفتخوری ممکن نیست.

باید در قرن بیست و یکم ما هنوز با این عقب ماندگی ها دست و پنجه نرم کنیم؟ چرا هنوز زنان و مردان باید قربانی سیستم نظری و گنبدیده ای شوند که با هیچ منطق و علم و پیشرفت بشری جور در نمی آید؟
دلیلش بطور واقعی عقب ماندگی مردم نیست. بلکه پوسیدگی نظام گنبدیده سرمایه داری است که برخلاف ظاهر پیشرفته اش، از انبان دوران توحش بشر عقب ماندهای را بیرون میکشد و تلاش میکند آنها را زنده نگه دارد تا بتواند حکومت کند. شیخ پشم الدین هایی که در ایران و عربستان و سومالی و جاهای دیگر دارند حکومت

افزایش دهم. وقتی این نوع خبیرها را میشنویم و میخوانیم دو احساس متضاد به انسان دست میدهد. احساس خوشحالی از اینکه دیوار ارتجاع و تاجر و عقب ماندگی اسلامی دارد ترک برمیدارد. خوشحالی از اینکه بنظر میرسد این لجن گنبدیده سنتهای اسلامی که زن را میخواهد زندان و مخفی کند، دارد ذره ذره از جامعه بشری رخت بر می بندد. هر چقدر و هر ذره ای که این سنتهای گنبدیده دوران توحش از ایران و عربستان و جاهای دیگر پاک شود جای خوشحال است. اما از طرف دیگر انسان فکر میکند چرا

دوچرخه سواری زنان يك جنب و جوش گسترده است که از مدتها پیش در ایران شروع شد و کمپین و کارزارهایی هم برای عملی کردن آن جریان دارد. اکنون در عربستان هم بعد از اینکه حق رانندگی زنان عملی شد، تلاش برای حق دوچرخه سواری زنان براه افتاده است. روز ۱۰ آوریل یعنی دو روز پیش در شهر جدّه اولین مسابقه دوچرخه سواری زنان به جریان گذاشته شد و دهها تن از زنان و دختران در آن شرکت کردند. برگزار کننده این مسابقه که خود يك زن است میگوید استقبالی که از این مسابقه شد بحدی بود که ناچار شدم تعداد شرکت کنندگان را دوبار

باعث شود جامعه معترض به این تبعیض به هر قالبی که رنگ و بوی قومی میدهد پناه ببرد.

سهند: ناسیونالیستهای ترک بیبانه داده اند که ظاهراً حمایت از این اعتراض است. نظرتان در این مورد چیست؟

محسن ابراهیمی: از اعتراض مردم خوزستان علیه تبعیض نژادی و ملی باید حمایت کرد. اما ناسیونالیسم ترک از اعتراض مردم حمایت نکرده است. از تصویر ارتجاعی خودش از این اعتراض حمایت کرده است.

به این جملات از بیبانه حمایتی ناسیونالیستها ترك نگاه کنید: "ملت عربی که دارای تاریخ و تمدنی پرافتخار هزاران ساله بوده و از فرهنگی غنی برخوردار است. ملتی که زبان شیرینش زبان قرآن کریم است. ملتی که فتوحاتش در تاریخ ماندگار است."

اولا به نظر میرسد ناسیونالیسم ترک مردم زحمتکش خوزستان را با پیغمبر اسلام و کشورگشاییها و جنایاتش عوضی گرفته است. و ثانياً باید پرسید که اگر مثلاً زبان این مردم عربی نباشد، افتخار هیچ کشورگشایی هم به نامشان ثبت نشود، از آیه های نحس قرآن هم نفرت داشته باشنند، آنگاه اعتراضشان شایسته حمایت نیست؟ سزاوار حقوق برابر و انسانی نیستند؟ اجازه بدهید در آخر روی این تاکید کنم که روشن است آن نیرویی که حرمت و انسانیت و حقوق انسانی مردم را زیر پا له میکنند حکومت اسلامی است و برای رسیدن به هر درجه ای از آزادی و برابری و حرمت انسانی باید از شر این حکومت رها شد. اما يك کار بزرگ دیگری هم در مقابل جنبشهای پیشرو قرار دارد. این کار مقابله با تلاشها و تحرکات مخرب انواع ناسیونالیستها در مقابل مبارزه بحق مردم است. خشک کردن سموماتی است این جریانات منظم در جامعه پخش میکنند.

منتشر شده در نشریه سهند شماره ۱۳
۲۰ فروردین ۱۳۹۷



آدرس تماس و ارتباط با حزب کمونیست کارگری ایران

تلگرام، واتس آپ، ایمو

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

committee.sazmandeh.wpi@gmail.com

@Sazmande

تلگرام

fb.com/
wpiran/

رامین حسین پناهی در خطر اجرای حکم اعدام!

جمهوری اسلامی ایران با تایید حکم اعدام رامین حسین پناهی، قصد سازمان دادن فوری این جنایت را دارد.

حسین احمدی نیاز، وکیل مدافع این زندانی سیاسی ضمن تایید این خبر گفت که این حکم چند روز پیش در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در شهر قم تایید شده و خطر اعدام این فعال سیاسی قریب الوقوع است..

در شرایطی که مردم ایران در همه جا علیه این حکومت فقر و تبعیض و انسان کشی مبارزه میکنند، حکومت اسلامی ایران میخواهد با اجرای حکم یک فعال سیاسی، به مردم معترض چنگ و دندان نشان دهد.

اما آن دوران گذشته است که با اعدام و چوبه های دار این حکومت قدر قدرتی میکرد و صداها را خفه میکرد.

مردم ایران کارگران، زنان و همه مخالفین این حکومت دیگر تصمیم خود را گرفته اند، آنها این حکومت را نمیخواهند و علیه زندگی سه بار زیر خط فقر و بی حقوقی و سرکوب مبارزه میکنند.

کمپین نجات رامین حسین پناهی اعلام میکند که این حکم اعدام و تایید آن در دیوان عالی حکومت اسلامی بسیار مهم است.

این یک زور آزمایی دیگر حکومت با مردم معترض در ایران است و باید همه ما خود را موظف بدانیم در مقابل این سازماندهی برای جنایت باهدف ترساندن مردم پنا خاسته و کاری نکنیم.

رامین حسین پناهی یک فعال سیاسی است که اسیر حکومت اسلامی شده و این حکومت در

ادامه قتل و اعدام هزاران نفر از فعالین سیاسی در ۳۹ سال گذشته، میخواهد او را اعدام کند. در حالیکه در چند سال گذشته بدلیل اعتراضات جرات نکرده فعال سیاسی اعدام کند.

ما فراخوان دهندگان کمپین از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی، از همه احزاب اپوزیسیون حکومت اسلامی، و از مردم قهرمان ایران میخواهیم به این حکم در هر جایی که هستند و بهر طریق ممکن اعتراض کنند.

ما باید در سراسر جهان صدای اعتراض خود را بلند کرده و کاری کنیم که حکومت جرات نکند رامین را اعدام کند، این فقط به همت اعتراضات و مبارزات سراسری در ایران و در دنیا امکان پذیر است.

در مقابل سفارت خانه های حکومت اسلامی و در مقابل ساختمانهای وزارت خارجه دولتهای غربی تحصن کنید، در مراکز شهرها میتینگ سازمان داده و اعلام کنید رامین را نباید اعدام کنند، در ایران در ادامه فعالیتهای چند ماه اخیر، با در دست داشتن عکسهای رامین پیام اعتراض بفرستید و این پیام ها را در مدیای اجتماعی علنی کنید.

ما از مردم کردستان در همه شهرها دعوت میکنیم برای یک اعتصاب عمومی آماده شوند، فقط با یک اتحاد و مبارزه قوی میتوان رامین را نجات داد.

کمپین نجات رامین حسین پناهی
۲۲ فروردین ۱۳۹۷ برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۱۸

کمپین نجات رامین حسین پناهی

هفته اعتراضات متحدانه به حکم اعدام رامین حسین پناهی هفته تلاش متحدانه برای نجات رامین از حکم وحشیانه اعدام



میکنیم بهر طریق ممکن به این حکم اعتراض کنید. از اقدامات و برنامه های خود ما را مطلع کنید و کمک کنید تا جان رامین حسین پناهی را نجات دهیم.

بزودی برنامه های اعتراضی ما اعلام خواهد شد.

کمپین نجات رامین حسین پناهی

۲۲ فروردین ۱۳۹۷

۱۱ آوریل ۲۰۱۸

حکم وحشیانه را گرفت.

ما خواهیم کوشید در سنج و شهرهای مختلف کردستان و ایران، اقداماتی را در دستور گذاشته و در سراسر جهان و در شهرهای مختلف اروپا با سازماندهی اعتراضات توجه افکار عمومی را به این زمینه سازی حکومت اسلامی برای قتل یک فعال سیاسی جلب کنیم.

از شما مخالفین اعدام و معترضین به این حکم دعوت

با اعلام تایید حکم اعدام رامین حسین پناهی، خطر اجرای حکم این فعال سیاسی بسیار زیاد است.

ما از روز شنبه ۲۵ فروردین تا شنبه هفته آینده را، هفته اعتراض به حکم اعدام رامین حسین پناهی اعلام کرده و از همگان دعوت میکنیم بهر طریق ممکن به این حکم اعتراض کنند.

فقط با اعتراضات گسترده و متحدانه میتوان جلوی اجرای این

به نجات جان رامین حسین پناهی برخیزیم!

رامین حسین پناهی پاسخ گیرد. کمیته بین المللی علیه اعدام

همه مردم شریف و آزادیخواه را فرامی خواند که برای نجات جان رامین حسین پناهی نیروی خود را بسیج کنند. ما شما را فرامی خوانیم که در هفته نجات جان رامین حسین پناهی که از روز شنبه ۲۵ آوریل شروع می شود شرکت کنید و با برپایی تجمع و گردهمایی، با صدور قطعنامه و پیام و هر اقدام دیگری که مناسب می دانید به حکم اعدام رامین اعتراض کنید. رامین در چند قدمی مرگ قرار دارد. همراه با پدر و مادر داغدار رامین حسین پناهی که قرار است در مقابل زندان مرکزی سنندج دست به تحصن بزنند برای نجات جان رامین حسین پناهی بپا خیزید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۳ فروردین ۱۳۹۷ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۸

در حالی حکم اعدام رامین را تایید کرده است که بنا به گفته وکیل ایشان حسین احمدی نیاز محاکمه وی "عادلانته و منصفانه" نبوده است.

پرواضح است صدور حکم اعدام برای یک فعال مدنی و سیاسی و تایید این حکم از سوی دیوان عالی رژیم اسلامی هیچ معنایی جز انتقامجویی از مبارزه روزانه مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ندارد. آیین دادرسی عادلانه در جمهوری اسلامی وجود ندارد و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی یک ماشین آدمکشی است که هر از گاهی عده ای را قربانی می کند تا جامعه را به سکوت و تسلیم بکشاند.

این تهدیدات جمهوری اسلامی و خطر اعدام مبارزینی چون رامین حسین پناهی باید با تعرض مردم به رژیم اسلامی و مبارزه وسیع و متحدانه مردم برای لغو حکم اعدام

دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم اعدام زندانی سیاسی رامین حسین پناهی را تایید کرده است. جرم رامین ایستادگی در مقابل ظلم و ستم جمهوری اسلامی است.

رامین حسین پناهی یک فعال سیاسی است که در روز دوم تیرماه از سوی نیروهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بازداشت شد، این زندانی سیاسی روز ۵ بهمن ماه ۱۳۹۶، در حالی که تنها یک جلسه دادگاهی برای او برگزار شده بود، از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی سعیدی و یکی دیگر از قضات به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در

کومله به مجازات اعدام محکوم شد. او پس از دستگیری مورد شکنجه های روحی و جسمی قرار گرفت و تا مدتی نیز ممنوع الملاقات بود.

دیوان عالی جمهوری اسلامی

سایت حزب:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

تمام آمرین و عاملین
جنايات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علنا
محاكمه شوند!

کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.



به حزب کمونیست
کارگری ایران پیوندید

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

سخنرانیهای مینا احدی در ماه آپریل در آلمان

جمعه ۱۳ آپریل شهر لایپزیک

دختران خیابان انقلاب و آینده جمهوری اسلامی ایران
به دعوت حزب چپ آلمان و به همراه دکتر کورنلیا ارنست نماینده پارلمان اروپا

13.04Leipzig Vortrag und Diskussion
Frauen in Bewegung — Proteste im Iran aus Perspektive der Frauenrechtsbewegung
Mit Cornelia Ernst (MdEP, Sprecherin der Delegation DIE LINKE im Europäischen Parlament) und
<http://leipzig.carpediem.cd/events/6298261-lpz-frauen-in-bewegung-proteste-im-iran-at-p-ge-haus/#m>

جمعه ۲۰ آپریل شهر ساریوکن

پناهندگان، انتگراسیون و هماهنگی در جامعه آلمان
به همراه سخنرانان دیگری که راه حل های خود را ارائه میدهند

Mina Ahadi (Vorsitzende des Zentralrats der Ex-Muslime)
„ZUSAMMENHALT: ASPEKTE IN DER
EINWANDERUNGSGESELLSCHAFT“
Freitag, 20. April 2018, 17.00 Uhr | IHK Saarland
Franz-Josef-Röder-Straße 9, 66119 Saarbrücken

سه شنبه ۲۴ آپریل شهر هاتینگن

یک عمر مبارزه یک زن انقلابی
مبارزه علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی، مبارزه بر علیه اعدام و سنگسار و زن ستیزی اسلامی

<http://www.coolibri.de/veranstaltung/hattingen:lebensgeschichte-einer-engagierten-frau/139193384520180424.html>

24. April um 18.00 Uhr im Alten Rathaus, Untermarkt 9 in Hattingen

شنبه ۲۸ آپریل شهر توبینگن

یک عمر مبارزه در دفاع از حقوق انسانی
جنبش زنان در ایران و مبارزات ۳۹ ساله بر علیه زن ستیزی اسلامی
این برنامه از طرف سازمان زنان "تره ده فام" مورد پشتیبانی قرار گرفته است.

28.04Tübingen

Vortrag



Die Humanisten Tübingen
laden zu einem Vortrag
von **Mina Ahadi** ein.

Die aus dem Iran geflüchtete
Frauenrechtlerin ist
Vorsitzende des Zentralrats
der Ex-Muslime.

„Frauenrechte und Islam –
ein lebenslanger Kampf gegen
den politischen Islam.“

Datum: Samstag den 28.4.2018
Ort: Begegnungsstätte Hirsch
Hirschgasse 9
Tübingen - Saal im 1. Stock
Zeit: 19 bis 21 Uhr

Eintritt frei

